

پاسخ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به رفتای کمیته مرکزی

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)

و اتحاد مبارزان کمونیست در صفا ۳

شرفنامه

تاریخ می آموزد

در همین سالگرد سی خرد از فرامیرسد .
اهمیت این روز تاریخ و تغییر تحولات
شکستی که پس از آن در بردهیت سیاسی جامعه
صورت گرفت ، مارا بران میدارد تا با بررسی
عمیق شرایط و ارزیابی از مجموعه عوامل
تحول بخش این دوران بر تحارب خویش
بیمزاییم و نقش واقعی خود را در پیشبرد
آینده حرکت انقلاب بناسیم .

سی ام خرد در این انقلاب پس از آن
بهتر از این تاریخ در این تاریخ است .
وقایع این روزها یادآور و نگارنده
میکنند و با انرا صراحت معصوم ستایند که
بموزوای میآید پس بشیوه عمل انان
بلاستنی آنها میداند . شیوه عمل
فاشسم را نفی میکند ، جو خندان
راشدت می بخشد ، روحیه کارگران را
خراب میکند ، پشتیبانی وسیع مردم را از آنها
سلب میازد ، بقیه در صفا ۲

کلاه شرعی برای جذب سرمایه ها

در جهت رهائی از رکود تولید

سرمایه داران و باور تربیت ، آن کلاه
شیر مطاعت را برافتنده و اکثریت
قوانین اقتصادی اسلام و طرح اسلامی
بانکداری بدون بهره ، به توسعه و گسترش
بندت تجارت کشور پیروز ازاد و رهبری
ایمان هم بانکه بر خلاف گذشته که فعالیت
آنها معمر به برداخت وام و اعتبار بهره
بود ، از این بقیه در صفا ۴

بانک اسلامی

بیایدی چسار ساله رژیم اسلامی
کردن سیاست با اصلاح مردمی و حذف
بهره دریا و دریافتی های مخصوص حرام
بودن ربا خواری که رژیم انرا طرف
استثمار و حتی بدتر از استثمار جلوه میدهند ،
بالاخره پس از سیاحت اولانی به تصویب
لایحه "سهپنم" در بانک بدون بهره
منجر شد که بر اساس آن رژیم مدعی شد که

در این شماره

یادداشتیهای سیاسی
در صفحه ۱۸

مبارزات و فعالیت های انقلابی
و هژداداران سازمان در خارج از کشور
در صفحه ۱۷

اخبار جنبش
در صفحه ۳

جاودان بنان
خاطره شهدای
بخون خنده خلق
در صفحه ۱۸

و بیه های طبقاتی سوسیال فرمیسم حزب توده (۳)

پایگاه طبقاتی حزب توده

سرمایه داری در محدود ای حضور داشته و
عمل می کنند که مالکیت خصوصی بر وسائل
تولید وجود داشته باشد و در آن حوزه های
که مالکیت دولتی تحت حاکمیت بورژوازی
وجود دارد بقیه در صفا ۷

در بخشهای بهترین یادگاه حزب
توده در بار مقولات سرمایه و سرمایه داران و
نیز فاشیم مربوط به گذار جامعه ایران به
سوسیالیسم اشتراکیم و بدین هم که از نظر
"حزب" اولاً رابطه سرمایه و دیگر مناسبات

دیپسام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

(کمیته خارج از کشور)

به جبهه فارابونددومارتسی
در صفا ۳

تاریخ

بقیه از صفحه ۱

تشکیلات انقلابی جنبش را از هم بی باشد و به انقلاب زبان میسرانند! برخی نیز سازمان ماراشعاعت میکنند که بسیار انستین تاکتیکهای میلحانه و طرح تشکیل جوته های رزبی در آن مقطع، دنباله رو حوادث شده و از انجام وظائف اساسی خویش بازمانده است.

اینکه سازمان مجاهدین خلق پس از گرایشات بورژوا رفرومیستی و اتحاد تاکتیکهای ... اقدام سرنگونی حاکمیت بشیوه ... جنبشی غربت جبران ناپذیری بر روئند ... جنبش وارد کرد، برکسی پوشیده نیست ... در این باره سخن گفته ایم و ... این بیان خواهیم برداخت. ولسی ... جنبش آنچه بیش از همه از درجه ... بر خرد ارادت، نوبه و درک عمیق ... شرایطی است که وقایع سی خرد ... مدنی پس از آن را اجتناب ناپذیر ... جنبش را ... بکشاند و در این اثرا به جریانات ... وائی، خرد و بورژوائی می سیار ... به ... سازی که تاکتیکهای ... مداهدین خلق به ... روئند مبارزه توده ای ... ناپاید مارا در رک واقفیتی ... های این مرحله از حیات جنبش ... و برضعفها و اشتباهات ... برده ...

زمانیکه ما نتوانیم درک کنیم که درجه و روشی قرار داریم و کدام شرایط تاریخی را پیش میرویم و درک اقتصاد - سیاسی مبارزه ای که پیش روی ما قرار میگیرد چگونه است، هرگز قادر نخواهیم بود به مسئولیت واقعی خرد را شناسیم و به اشتباهات خود پی ببریم و خطاهای خویش را تصحیح کنیم. کمونیتهای محاوره برای این اعتقاد هستند که هر چه شرایطی تاکتیکهای نادرست و انحرافی این بیان جریان غیر پرولیتاری می تواند و نباید "تشکیلات جنبش" را تشکیل دهد، ما نیز به "تشکیلات" که قادر نیست روحیه کارگران را پیر جانشین دارد و رهبری جنبش را بدست گیرد و پشتیبانی وسیع توده ها را جلب کند، در غیر این صورت هر شکل جدیدی از مبارزه که با خطرات و تلفات جدید بیشتری دارد ناگزیر تشکیلاتی را که دارای آمادگی کافی برای استفاده از این شکل مبارزه نیست مختل میسازد. (۱) پس سی خرد در شرایطی یاکرفت که جامعه در بحرانی ترین حالت خود قرار داشت، ولی اقتصاد، بحران عمیق تومی، فقر و ...

ویکاری شوره امور کشور را در هم ریخته بود و رژیم حاکم عاجز از حل مسائل بحران زای - جامعه در جنبه گرایشات گوناگونی که هر کدام برای خلاصی از بحران عمومی جامعه راه حل ویژه خود را داشت، گیر افتاده بود. سی خرد در حقیقت نمود بارز روش - تعارضات طبقاتی جامعه و محصول بحران عمیق اقتصادی - سیاسی موجود و نتیجه بن بست قدرت بود.

مدتها قبل از سی خرد از جامعه در تب و تاب تحولی عظیم می سوخت. توهفات اولیه تر - حاکمیت به حاکمیت مرور چینه و تارگران در هفتان واقفان و سی رزحمتشان شهری نه تنها رژیم اسلامی را - رتعلق خویشتمای نه برحق خویش عاجز می دیدند، بلکه انسترا مشخصه راه حرکت خود را انسته و هر گدانه برای دستیابی باین حقوق بسر - می خاستند، خود را در زور و در تقابل قهر امیز با راکتکهای سرزمین می دیدند. تعارضات شدیدی علیه حکومت نه از سی خرد که در اصل از همان آغازین روزهای پس از قیام شکوهند بهمن شک رفته بود.

جنگ خونین اول کردستان و مقاومت مسلحانه خلق ترکمن، خند عرب و سلوچ، تعرضات قهرآمیز کارگران در کارخانه های سر استرآر و راه، نرد مسلحانه زحمتکشان بندرانزلی، مبارزه آزادیخواهان در حفظ کانونهای انقلابی و انشاهای مد و ره و حرم های سرخسی بودند که علیه رژیم سرنگونگر جنبی به اعتراض در می آمدند. اینها در اشکال معینی از جنگ داخلی بودند که نادر بوده و وسیع زمانی پراکنده و محدود را در انداختند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز سازماندهی سراسری باند های سیاه و دسته شسانی مسلح "حزب الله" برای سرکوب و تلسع و قتل جنبش و دستگیری رسیده نیست کردن پنهانی انقلابیون، باین جنگ داخلی پیش از پیش در امن میزد. بالاخره جنگ داخلی که از همان واپسین روزهای قیام بهمن آغاز شده بود، باید به نبرد قطعی تن میدهد. رژیم مترصد آن بود تا انقلاب را قبل از آنکه مجتمع شود و همچون بهمن عظیم بر سرش فرود برده کند و اثرات تاریخی بماند از آن.

در این شرایط، یعنی شرایطی که قیام همزید درک شد، بود و تنها سازمان پروتاریائی جامعه یعنی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران به نایب گسترده ترین و تودر ای ترین تشکیلات پروتاریائی در اشرف حیاتهای نیمه مرکزی دچار انشعاب شده بود. یوقنانا تعیین کنندگی خود را بر توازن قرار داخلی از دست داد و هنر نادرینه مدایت سرخسین بود، درست در چنین شرایطی سازمان سبنا درین خلق - کسه تنها جریان اپوزیسیون غیر پروتاریائی با حمایت

وسیع توده ای بود - در خلا رهبری رژیم یکه تا رسیدن آن شد و بعنوان "ناخمس" انقلاب دست در دست بورژوائی انستین را به صلح فرستان. تنها ویژگی سی خرد در روند عمومی پس از آن اصال رهبری مستقیم بورژوائی - خرد و بورژوائی به کل جنبش و اتحاد تاکتیکهای کوری بود که با برپائی قیام زور در سرتارک نشد، این امر را بدست رژیم جمهوری اسلامی میسر و دست رژیم راکه از پیش آماده مقابله ترم آن شده بود برای سرکوبی خونین جنبش سر بازگذاشت. بورژوا همه جانب و انستین رژیم علیه توده های رزمند و سرکوب ... راستین انقلاب ایدو سراسری ... همه جا انقلاب زهر ضرب قرار گرفت. انقلاب شکست نخورد زیرا سرکوب و سرکوب تراز بود که با چنین روش از آن در بیاید. توازن قوانین رژیم تن بر کرد و انستین سرکوب از سرکوبی خود را از انستین جزاین نمیتوانست بشود چرا که مبارزه توده شست عمدتاً و مطلقاً با مضمون بورژوائی باشکست خرد و بورژوائی هدیت می شد و این جنبش و این شکل، فرسنگها با محتر و شکل سرکوب توده ها فاصله داشت. ارشمن راکه توده و هرگونه توهم نسبت به خرد و بورژوائی و بورژوا معاهدین خلق مرویخت و سرسرت رهبری پرولتارن و رسالت تاریخی آن بسیار شناخته شد. این مهمترین و ارزنده ترین دستاورد های این مرحله از جنبش بود.

سازمانی که در این مرحله برانسته بود صف انقلابیون رستمین را از خود با ترفیق های خائن متمایزما کند و مبارزاتی سرکوب پرولتاریائی را به پیش برد و با انستین صحیح از شرایط سخن جامعه و سرکوب ... حوزه های رزبی و اقدامات جنبش به جهت تدارک قیام و سازمان خرد را در این دوره بدست قرار داد. اما انستین این امر مرفق نشد و نتوانست جز در زمان محدود و به صورت پراکنده، دست به اقدامات مسلحانه برای تدارک نظامی قیام بزند. زیرا سازمان تازه از کاران مبارزات درونی علیه انستین گرایشات بورژوائی و خرد و بورژوائی را در سازمان بیرون آمد و نتوانسته بود تشکیلات خود را انچنان تعلیم داده و تدارک بدست که بتواند بعنوان یک بخش جنگجو عمل کند. این وظیفه دشواری بود که تنها نمیتوانست بکروزه ویا یک دستورالعمل ناممکن برسد. بخصوص که فقدان این آمادگی وضعست تشکیلاتی همانگونه که اشاره کردیم، ز سر سرکوب مد اوم و شدید لیسی تاثیر منفی می یافت حال قبل از اینکه به جمع بندی نهایی برسیم لازم است عملکرد مشاهده بین رادر - خطوط کلی آن مورد ارزیابی قرار دهیم.

گفتیم که سازمان مجاهدین قیام را در شرایط آغاز کرد که بسیج سیاسی توده ها سرزده انجام بقیه در صفحه ۱۴

هوا ساز و ضد اپوزیسیونی از مبارزه ایران

پاسخ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به رفتای کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومله)

و اتحاد مبارزان کمونیست

رفقا! شما طایفه ای نظر سازمان ما را از اینجور به برنامه ای که تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده اید بررسی کرده و در مورد طایفه این نامه مختصرابه شما پاسخی میدهم .

نزدیکی نیست که امروزه جنبش نریمان کمونیستی ایران در مسیر تکاملی خود به مرحله ای رسیده است که امر تشکیل حزب کمونیست ایران بخانه امری مردم در دستور کار کمیته مرکزی است ... جنبشها فراگرفته است ... این جنبش به طور جدی در پی جنبش بنام مردم اوم این جنبش است ... جنبش سیاسی طبقه کارگران و توده های دیگر در ایران ... که ... معادله ها و اشتغال زندگی ماهیل حزمی ... ان فعالیتها را برانگیزد به سرعت سپری ... در ایران در حال فرار هستند ... است که خصوصیت آن وحدت بخشیدن به ... جنبش کمونیستها و متحد کردن و تشکیلات ... و کارها از این زندگی حزبی است .

ما معتقدیم که نخستین گام عملی در این جهت دستیابی به یک برنامه حزبی یعنی یک برنامه واحد انقلابی است . اما از دیدن فعالیتات برنامه حقیقتاً پورتری ... برنامه ای که شاید یکی نام برنامه حزب کمونیست را داشته باشد محصول پرونده ایست که چند بند آن در کاروان یک مبارزه تشدید ایجاد بدوین شده باشد و اکثریت مارکسیست ... جنبشهای ایران به صحت و درست بودن آن ایمان داشته باشند و حول آن جمع شوند . حال اینها آنچه که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده اید در جنبش روندی تدوین شده و از جهت مضمون شاید نام برنامه حزب کمونیست میباشد ؟ خب چرا چرا که اولاً این برنامه در کلیت خود بسیار بزرگ و نامرتب و فرمایشی است که هدف آن حفظ و تکثیر ... های نظم بورژوازی میسر است . ثانیا که حاصل یک مبارزه ایدتولوزیک ، بلکه محصول ذهنی تفکرات تعدادی روشنفکر است .

بیانیم که یک برنامه حزب کمونیست چگونه برنامه ایست ؟ یک برنامه حزبی قبل از هر چیز از یک بخش تئوریک و عمومی تشکیل شده است که تمام نتیجه گیریهای بعدی از آن منتج میگردد . از اینرو این بخش مبرترین و دقیقترین بخش برنامه است در این بخش میباید نظام اقتصادی موجود

جامعه و روند تکاملی آن مورد بررسی قرار گیرد و نحوه مشخصه و ویژگیهای اساسی نظام اقتصادی مشخص گردد . از اینرو در برنامه حزب کمونیست ایران باید سرمایه داری داری ایران به طور مشخص و نه سرمایه داری به طور کلی مورد بررسی قرار گیرد . نحوه فرمول بندی باید گونه ای باشد که تکامل تدریجی سرمایه داری در ایران و همراه با آن منطقه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و تبادلات معاشات ناشی از این سرمایه داری آشکارا بیان گردد . اما در برنامه ای که شما ارائه داده اید چیزی که وجود ندارد سرمایه داری ایران به طور مشخص و انداخته آن است . در نتیجه این بخش یکی از تعریفی است و نتیجه گیریها از آن نیز بیش از آنکه با زندگی واقعی مبارزان داشته باشند تراوش مغز محسوب میشوند . شما از برنامه حزب سوسیالیست مکررات گوناگون استفاده کرده اید و اقتصاد را با ... استفاده از ... اقتصاد ایران مرادقت ندارد . آمده از ... های ... بخش ... بندهایی بعبه از این برنامه مرادقت ... مبارز است که با ... و مشخص جامعه ... همخوانی داشته باشد و فعالیتها را برانگیزد ... گفته اید . در جنبش مربوط به طبقه سیاسی تئوری روابط طبقه کارگر را طبقه کارگران را به اهمیت بورژوازی فرمایشی برنامه شما بدینی بر ملا شده است . در برنامه شما دره اثرات میان دو مرحله انقلاب ترسیم شده است . در حالیکه در برنامه حقیقتاً پورتری پیوستگی این دو مرحله انقلاب باید آشکارا بیان شود . این را مدتی است که انقلاب و مکرراتک ایران بدون گذار به سوسیالیسم بدون این که به مرحله گذار به سوسیالیسم باشد باکت است قطعی روسرو خواهد شد . دیدگاه انحراف شما در این مورد باعث شده است که شما از تصریح بر ضرورت استقرار یکگانه انقلابی مکرراتک تأثرات و هدفان ... مبارزید . در بخش مربوط به مطالبات شما به اهمیت برنامه شما شما بیشتر افشا ... مگر ... جمهوری مکرراتک انقلابی ادعای شما که لااخر مکرراتک است و ابتکار عمل از توده مردم منت شده است . تنهایی مسئله کنترل ... اشاره کنیم . این کنترل بدون اعلا ... مبارزات است و بدون ملی کردن صنایع و موسسات ... بدون تمرکز صنایع و موسسات ... امر ... بدیل شده است . بر ... شما در زمینه دفاع از صنایع بورژوازی ... اهمیت باید آن

حد پیشرفته است که از حد یک برنامه خرد و بورژوازی را در یکالتهز تقب مانند ... است . آید و ... و ملی ... سرمایه های بزرگ و موسسات و سرمایه ... امپریالیستی میتوان حتی مدعی ... خرد امپریالیستی بود ؟ چگونه است که ... برنامه شما از مداره و ملی کردن سرمایه ... متعلق به بورژوازی ایران و انحصارات ... امپریالیستی هیچ صحبتی در میان نیاورد ... آیا این است برنامه حزب کمونیست ... این برنامه از صنایع بورژوازی ... کلیت این برنامه نشان میدهد ... آن از صنایع بورژوازی دفاع میکند . در ... اختلافات درونی جنبش کمونیست ... نیز این دیدگاه شما جنبش ... تأکید حق از انشمار این ترسیم ... انحرافات کثیرهای سوسیالیستی ... جهانی کمونیسم خود را از این ... در برنامه تا احکام عجیب و غریب ... کرده اید . و باقی نگه داشته ... جنبش جهانی کمونیست و تدقیق ... جنبش جهانی جنبش چهارم ... ستم به ... اساساً ... انقلابات پورتری را ... بدین طریق ماهیت بورژوازی برنامه را ... نموده اید .

از طرف شما ... برنامه ... از این ... و ... از این ...

صدا چنین برنامه ای که از این ... مضمون برنامه اصلاحات بورژوازی است از حیث شکل نیز از مضمون خرد تبعیت نموده است . نه برنامه پورتریست و نه چیزی ... صفتی برای تشکیل حزب کمونیست باشد .

البته شما خود دارید که این برنامه را بنام برنامه حزب کمونیست ... بر مبنای آن حزب باید تلاش کمونیست ... را تشکیل دهید ، اما ... جنبش ادعای شما این امر ... جنبش نخواهد گذاشت . مانا کمون از اینس نمونه برنامه ها و احزاب بسیار دیدیم ... یقیناً سر نوشت شما نیز چیزی در حد ... کارگران سوسیالیست ، حزب ... توده و طوفان و امثالهم خواهد بود .

سواء برنامه بیانیته را تعریف ... را که میخواهید بر اساس آنها حزب را تشکیل دهید ...

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

(کمیته خارج از کشور)

به جبهه فارابوند و مارتسی

در ۶ آوریل ۱۹۸۳، رفیق ملید امنتز معروف به «اناماریا» فرمانده دوم سازمان آزادبخش خلق السالوادور FPLC یکی از چهار سازمان تشکیل دهنده FICL در ۲۰۰۰ سال پیش از خاستن در نزدیکی ماناکوا (نیکاراگوا) توسط چند خائن بشهادت رسید. ۶۰ روز پس از این واقعه هولناک، رفیق سالوادور کاتانز آرپیو فرمانده اول FICL و عضو کمیته فرماندهی FICL، پس از اطلاع از خباثات ترور رفیق اناماریا که بدست چند خائن از افراد سابق سازمان وی انجام گرفته بود، برندگی خود خاتمه داد. کمیته مرکزی از کورسازمان در همین زمینه پیام زیر را خطاب به FICL و FULCR ارسال داشته است:

رفقای رزمندگانه گرتترین درودها و دریاها برین مراتب همستکی ما را با خلقی ایران انسانوار و با انقلاب باشکوه و رهبری پرانته ایران جبهه فارابوند و مارتسی در ۱۹۸۳ بریدید.

سپید تاریخی میند امنتز (اناماریا) بد ساله آن روز الواد را اینگونه کاربیدید برای ما و همه ما را بیون دنیا سیار تلخ و ناگور بود. لیکن ما ایمان داریم که این خباثت تخریم او را بدست دادن رفقای چون کارپیو و از ما را بقوه دهند توانست و خلقی در عزم استوار شجاع در راه گسترش انقلاب و برعلاوه السالوادور ایستاد نماید. ما بخوبی نسبت به شرایط دشوار مبارزات شما واقف بودیم و از ترسهای رنکارنگ امیرالهیسم جهانسی بر علیه شما آگاهیم. امیرالهیسم آمریکا از شما مشتاق میخواستند تا استقامت از رژیم هسار وابسته اثری نداشته و نلیهید در آس رسیخ فدائیان بلیون و فشار آوردن بر نیروها و کشور های شرقی منطقه نظیر نیکاراگوا و نیزام نیروهای مسلح و صرف بلیونهای لاریول و اسلحه خلق السالوادور را بیزانود راورد. امما پس از این زینام قهرمان، امیرالهیسم آمریکا را در آمریکا بیزانود راورد و خلق قهرمان السالوادور نیز نسبت این امیرالهیسم خباثنکار و مزدوران را خدایش را در آمریکا بخاک خواهد مالید و یکبار دیگر جبهانیان نشان دادند - خواهد شد که پیروزی از آن خلقهاست.

رفقا! سازمان مانیز طی ۳ سال سیات خود تجربه سخت و لحظات بحرانی بسیاری آزموده است و در هر مقطع بحرانی ناکه به اصول و رنسیپهای انقلابی و سنا

ایمان به نیروی خلق توانسته است بسز خباثتها و انواع انحرافات راست و "چپ" فائق آید.

شما بخوبی میدانید که خلق قهرمان ایران با قیام تاریخی خود رژیم مغفور شاه و یعنی ژاندارم امیرالهیسم در منطقه خلیج فارس را سرنگون ساخت و باز میدانید که سازمان ما تنها سازمان کمونیستی بود که در زمان حکومت شاه بپا داشته و علیه آن رژیم و حامیان امیرالیستش اقدام مبارزه مسلحانه نمود و با شرکت فعال در قیام سال ۱۹۷۹ - به آگاهگری سازماندهی مردم در حد توان شریک، تلاش نمود. این رژیم را به پیش سر و ننگ آورد رهبران سازمان در جنبش به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته ایران پرداخته حکومت مستحکمانه ضد مردمی جدیدی را این بار برپوشش اسلامی خاشین حکومت شاه سازند. سازمان ما همچنان با یکس تلاش خود ادامه داد تا اینهمه تاریک اندیشان رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از توهم توده ها با فاصله بعد از قدرت رسیدن در رژیم سیاست سر نیزه و کشتار و بدارگیری شیوه غای قرن وسطایی شکنجه و به سرکوب همه خنثی و خلقهای ایران پرداخته اند.

رفقای رزمندگانه در شرایطی پیغام همستکی ایران را راست شنیدید که در هبها هزار نفر از انقلابیون ایران در این محاکمه در دو سال گذشته خنثی شده اند و بخش همه خنثی در خلقهای ایران است. در هر حال چه محاکمه دارد بیش از پنجاه هزار نفر در سیاهچالی رژیم جمهوری اسلامی خنثی شده فرا داشته و به بند کشیده شده اند. حتی قهرمان کرد زید شد بدترین بعا اینها و روشهای شیانه رژیم قسار دارد. ابتدائی ترین خون در مکرانیک مردم رعایت نمیشود و هرگونه خواست دگرانیکی را با پهنانه های واهی "وستگی به غرب" بسا مکرر با پاسخ میدهند. از نظر اقتصادی وضع فزانت باری را بر مردم تحمیل میکنند. بساطت بود و داری و قرون وسطایی رژیم، جز فقر و گرسنگی چیزی برای توده های مردم با رمعان نیابرد و تمام ارزشهای انسانی را نند مال کرده است. وجود قریب پنجاه میلیون بیگساره گران و بیش از ۱۰٪ بیوزم، کمبود ما محتاج اولیه و فقدان کمترین آزادیهای فردی و اجتماعی، بیخاک و خون کشیدن اقتصادیات کارگری و حمایت از زمین سرمایه داران و تدوین قوانین قرون وسطایی و فوی ارتجاعی بر علیه کارگران و زنان و اولینهای ملتی و مدعی و تدوم حنک با احساس سوزار داعسی باغران که حاصلی جز گنار و زرمه جوانان نداشته و منجر به تقویت مواضع امیرالهیسم و صهیونیسم در منطقه خاور میانه شده است. حمایت از شورشیان مرتجع افغانستان و همکاری و همدستی با رژیمهای وابسته به امیرالهیسم و مرتجعینی چون ضیاالحق در پاکستان و فاشیستهای نظامی در ترکیه و ...

همه و همه گوشه ای از کارنامه چهارماد رزم جمهوری اسلامی است.

اگرچه هزاران نفر از فدای ماوسایسر نیروهای انقلابی بدست رژیم جمهوری اسلامی لدام شده و میشوند و اگرچه در هبها هزار تن از یاران در زندانها به زینسر شکنجه های قرون وسطایی رژیم قسار دارند و اما ما از یاری نخواهیم تقسنت در سخت ترین شرایط نیز و از یاری خود را در جهت تدوم انقلاب تاریدن به اهداف واقعی و مناس مردم که همانا راههای از یوع امیرالهیسم سرمایه داری راست و مستقیم و استثمار مبداس است، فراموش نخواهیم کرد.

رفقا، تو خالی بودن شعارها در ضد امیرالیستی خمینی و مابعدیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر بر جبهات ایران آشکار میشود. شعارهای رژیم جمهوری اسلامی صبی بر ما روزه ضد امیرالیستی فرسور بیش نیست. اگرچه سیاستهای رژیم سرکشی و تسلیم طلبانه است. بر تونیستها که تا هزاران راه رشد غیر سرمایه داری میباشند و سیاست رژیم جمهوری اسلامی میجر شد تا شاه و رژیم خمینی را از راه صالحت آمیزه سرکشیستیم بکشانند. ولی امروز نتیجه سیاستهای تسلیم طلبانه و ترارزد این رژیم استبداد رحمت است. اهداف انقلاب و بسطیله تاریدن تاریدنی رهبران خائن حزب تود بر سر مردم میهنمان روشن شده است.

رفقا، امروز سازمان ما در سخت ترین شرایط در راه سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و استوار جمهوری دگرانیکی خلق مبارزه میکند. ما به رژیم نابالغ استوار جمهوری دگرانیکی خنثی ایران و جبهه دگرانیکی علیه امیرالهیسم گشاییم و سرکشی بیشتر رخدها خنثیهای رهائی بخش از جمله السالوادور را استقامت و رنسیپهای خلقهای تحت ستم جهان قرار گیرید. ما همواره بر اساس و برای انترناسیونالیستی خود حمایت فعالانه از جنبش السالوادور بر حاشیه ایم. ما به رژیم شارا پورین سرکشی دانسته و شکست امیرالهیسم و این دشمن مشترک بشریت را هدف مشترک هندسه خلقها میدانیم.

حک بر امیرالهیسم و فاشیستهای سرگردگامی امیرالهیسم آمریکا پیروزان انقلاب السالوادور به رهبری مستحکم باد همستکی خلقهای السالوادور و ایسیران ساگرتترین درودهای انقلابی و بهترین ارزویشما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کمیته خارج از کشور ۶ ماه مه ۱۹۸۳

پیام روزیاد مبارزان فدائیان کمونیستی در مبارزه با خنثیهای ایران

بانک . . . بقیه از صفحه ۱

پس با مرکزگونی کردن نظام بانکداری (۱) و استفاده از عقیدت اسلامی مزارعه و انواع مشارکت ها و . . . در فعالیتهای تولیدی ، بازگامی و خدماتی شرکت خواهند کرد .

اساس این متوجه و سپس به جزئیات آن در قسمت دیگر میرد ازیم و روشن کردن مضامین عزیز اسلامی و نحوه سودبری سرمایه از طریق این "عقود شرعی" نشان خواهیم داد در رژیم اسلامی هدفی را از تصویب این لایحه سه نال میکند .

پس از این نیز ریاب حذف بهره ، "بانک اسلامی" و "بنیاد خدمات مالی" بر اساس همان عقیده اسلامی سخن گفته بود که عدولت بر روی گذاشتن مانع و حذف بهره سرمایه می باشد از سوی سرمایه - در آن رژیم حیران و متعجب که چرا با تمامی ریاضت نهفته در سنا و عمامه اثر برای فریب نمودن آنها نشانسته اعتماد و اطمینان سرمایه در برابر ریزش در آن رژیم سرمایه نهاد نشینند و طرحها تماما با شکست مواجه میشوند .

با در همان زمان در مذاکراتی خون خدای بهره که "شروع دیگر" "بنیاد خدمات مالی" معنای نهادی در خدمت حسیب سرمایه در اسلام "و جایگزین بانک اسلامی" باروشن کردن مضامین و مستقران عارضی در اسلام ، به اجتناب ناپذیری توسط رژیم به شود و عملیات بانکی سرمایه در آنده برای رژیم و سایر و این شیوه همان شیوه - عملیات بانکی در نظام سرمایه در آن است که "به دست راه انداختن کار سرمایه در آن به خرج تولید کنندگان واقعی" و "تعدیل مشکلات مالی" رعایت نظام سرمایه در آن صورت میگیرد . مادرنکار شماره ۳۳ بتاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۱۰۰۰ به ما "نوشتم" در زمانی که در شکست مالی به چنان درجه ای رسیده که در تاریخ آن تاریخ تعیین ارد و دولت سه انواع حیل سعی در ارتقاء مردم را سه بانکها این مهمترین مرکزهای اقتصادی سرمایه در آن دولت نماید "و اشاره کردیم که حتی خمین" برای رفع مشکلات مالی بهره راتحت پوشش "حاجز" میاز میسازد بنانهان بنیادی بود و اونی ، چون بنیاد خدمات مالی تنها نشانه ای وجود دولت تنزیل خواری است که برای رعایتی از مشکلات مالی و از کاهش نقدینگی بانکها و نیز راه انداختن صنایع وابسته و نجات

نظام سرمایه داری در حال گندیدگی به هر حبله و دستاویزی توسل میجوید که اینبار در قالب بانک نوین تحت عنوان بنیاد خدمات مالی (البته برای سرمایه داران) در شکل اسلامی لیکن در محتوا سرمایه - داری رخ نموده است ، بطوریکه بهره بازرگانی اثر در قالب مزارعه ، بهره مالکانه - اثر در مزارعه و سودبری اثر از سرمایه - گذار بهاد مشارکت تحقق می یابد و کسه سیستم عملیاتی اثر همانا سیستم عملیسات بانکی است .

اما اگر آبریزش در جلب اعتماد سرمایه داران و جذب سرمایه های رونده تولید ، در لغای لغاض ندای و مغزیبانه به تمرکز نشسته و این اعتبار رژیم و ناتوانی وسیعی - که این اثر در برقراری امنیت سرمایه - بی اعتمادی سرمایه داران و وجود سرمایه - های راگد و نیز وجود در این راستا ، اکنون شدت بحران و در صورت ناپه در کنار مالی مطلوب در آورد در مبارزه افت حریفهای اقتصادی در زمینه گند آبریزش پول و افزایش نقدینگی و حجم پول بدون پشتوانه ، تورم افراطی شده و افزایش قیمت ها و میلیاردها ریال شده و خزانه سهی و فروز نت به گسترش در زمین آن و بر بهره پول از راستا در آنجا ،

مختصری که در این زمینه در دسترس بنیاد صریح شود این مقصود را تصور کنید ، این "انحصار سود سرمایه" در این "انحصار" بخشدن به سودبری سرمایه را طلب میکند و آنچه بنیاد صریح و "انحصار" است برای تمامی سود برای راه افتادن چرخهای تولید در بخش خصوصی است .

سویخشن رژیم در این مرکز زمینسازان این مدیران بانکی در تحت و معسر در ضرورت حسن آوری سرمایه های اندوخته اما برانده و هرگز ندانند که در بانکها برای فعالیت واحد غار تولیدی بخش خصوصی و ندره تا همین بود را این توضیح میدهد .

در شایسته ترین شکل

نمیستیم بابت آن است که در این

بجنوری : نظام جدید که در آن - حذف بهره پیش بینی شده است - است بر در نظر گرفتن و تغییرات موجود در واقعیات بتدریج و با احتیاط عملیاتی انقلاب که در در این سده است - است بتدریج میبایست از این بهره - در آن اگر ما میخواهیم در این رژیم - از برای در اختیار بماند - تمام سده و حتی مردم از دانش - اقتصاد صنعتی قلع میبرد - هنگام حذف بهره از برای مردم بد تقیم که در این تقسیم - راحت نیست از آن به حساب بانکی - هم بتوانیم بانکها را از تولید در - سازندگی سده بد تقیم که در این - این دو دولت بد تقیم شده است . (کیهان ۱۰ / ۱۱ / ۱۰۰۰)

خوشن عبارات در این زمینه در دسترس کار کمبود رژیم - حاصل شده - بهره بعد از این - شری انجام شود - پول به محض اینکه حسابان - به مظاره اینها که در این - خارج میکنند . (کیهان ۱۰ / ۱۱ / ۱۰۰۰)

مجددی ساری : " ما در این - یک کلاه شرفی را برای مردم - نسبت به بهره های مردم - منتها این کلاه شرفی - کل جریان پولی در این - کلاه کرده است . (کیهان ۱۰ / ۱۱ / ۱۰۰۰)

انصاری : " ما در این - تجارتی انجام در تقیم - آور و هتک بانکی - می اند ، باید جایگزین - سخنان مردم جذب شود - اینکه در سده اعتباری - چرخهای تولید طلب را - سود آوری هم داشته باشد - اندوخته و به اشکالی در آن - جذب پولهای سرگردان در خانه های چند ملیتی - عایدات این مسئله بر می - مستضعفان که صاحبان پول هستند - در قیاد تهیه اساسنامه و - اینکه خواستیم

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اشتیاق بشنود و قیام عملی در آن

معاملات را بدینگونه بیان میکند
وی در مورد مشارکت با زمان محدود میکند
نتیجه مهمتری عاید مملکت میشود بدین
معنی که واحدهای تولیدی خیلی فعال

شروع بکار میکنند (کمیته ۱۷ آبان ماه ۶۱)
و نوی بخش درجائی دیگر عامل مهم در موفقیت
بانک را توضیح میدهد "عامل مهم در
موفقیت بانک قدرت جذب سپرده ها چه

بصورت قرض الحسنه و یا پس انداز است و این
معادل است با اینکه سرمایه های سرگردان
کمتر باشد و در نتیجه تورم هم کمتری و آن

در اهداف اقتصادی در جامعه کمتر میاشد"
(اظهارات ۱۱/۳/۶۲)

برای اثبات حذف بهره از
بانک آری در جمهوری اسلامی و نیز
این طرح با عملیات متداول
در تمام سرمایه داری، در نمودار یکی

به رژیم گذشته و دیگری "طرحی نوین
در جمهوری اسلامی" ارائه میدهند و مدعی
میشوند که در رژیم گذشته اساس منابع و
در جمهوری اسلامی بود در حالی که در طرح

پس از آنکه سود بزرگ از میان برداشته
شود و بقول آنها "اساس درآمد بانکها
در جمهوری اسلامی کمتر که در طرح بانکی آری

در جمهوری اسلامی بسیار کمتر خواهد بود
و این در حالی است که در جمهوری اسلامی
در رژیم گذشته بود در صورت سپرده

در نظام موجود نمودار متفاوت بنظری آید
در نمودار جایگزین بهره گردیده و از
در دیگر عباراتی از قبیل واکالت بانک و انواع

نمودار اسلامی و نیز قرض الحسنه بجای وام با
بهره و مشارکت در سرمایه گذاریها و سپرده
حساب جاری و سپرده پس انداز ششماهه
است. اما در حقیقت مردم نمودار یکی و

بانک

بقیه از صفحه ۵

در ارای مضامین و محتوای یکسان است. ما
در مجموعه مقاله نشان خواهیم داد که بهره
سود هر دو چیزی از مقدار کل ارزش اضافی
تولید شده توسط کارگران است و عقوبت
اسلامی ذکر شده در طرح اسلامی نیز همان
مشارکت و سرمایه گذاریهای بانکها و اعطای
تسهیلات بانکی به سرمایه داران است.

به توضیح بیشتر نمودارها بپردازیم
مطابق با طرح بانکی آری بر اساس روش
متداول و در خارج از دایره مردم بصورت سپرده
های جاری و پس انداز و مدت دار در اختیار
بانکها قرار میگیرد، بانکها ارجحی که از این

طریق جمع آوری شده و در عملیات مختلف
بانکی از جمله دادن وام و اعتبار با بهره و
سرمایه گذاریها شرکت میکنند. بانکها وام و
اعتبار را گرفتن درصدی بهره به مشتریان
بانکی (سرمایه داران) پرداخت میکنند و

از درآمد ناشی از بهره و وامها سود حاصل از
سرمایه گذاریها به کسانی که در بانک پول
دارند، به استثناء حساب جاری بانسرخ
ثابت و نسبت مدت و مبلغی که در بانک

پس انداز کرده اند، بپردازند و این بهره
اساس درآمد جنب و ریاضتجویی است. بهره
میکردند.

اما در طرح اسلامی که رژیم مدعی شده
بهره "بعنوان محرک اصلی توسعه سیستم بانکی
کشور یکی حذف شده و بنایه آنتهی سران
رژیم وام و اعتبار و ریاضت بهره جای خود

را به مشارکت و سرمایه گذاریهای بانک بسا
استفاده از عقود اسلامی داده است. بر
اساس این طرح مردم پول خود را بصورت

قرض الحسنه و پس انداز که طبق مصور
مجلس بود به آن تعلق نمیگیرد و نیز به
صورت سپرده سرمایه گذاری در بانکها
میکند و برای شرکت در عملیات مختلف
بانکی و معاملات شرعی به بانکها و واکالت
میدهند و بانکها نیز بزرگ سود آور بودن -

عملیات بانکی با استفاده از عقود شرعی بانکی
که بخواید از منابع مالی بانکها استفاده
کند از طریق مزایه و انواع مشارکت با مشتریان
میشوند و سود درآمدهای حاصل از عملیات
بانکی را بین سپرده گذاران تقسیم میکنند و

این تقسیم نیز بدین ترتیب است که از سود
حاصل از سرمایه گذاریها در بانکها و واکالت
مبلغ و مدت سپرده و میزان سرمایه گذاری
مدت دار به صاحبان سپرده بپردازند
خواهد شد. بدین ترتیب در بین مشتریان
سپرده گران عملیات بانکی در نمودار اسلامی
تفاوتی ندارند و تنها تفاوت بین مردم در

ثابت بهره در نمودار اول و در صورت سپرده
در نمودار دوم و نیز بهره ای است که در رژیم
متداول به پس انداز متعلق میآید که در

طرح اسلامی، قرض الحسنه شامل حساب
جاری و پس انداز که تحت عنوان قرض
بانک دارنده شده از سود مردم معاف شده
است. بدین ترتیب میزان مشارکت بانکی

از طریق قرض الحسنه که بدین ترتیب است
آن بهره برای "حرام" است و بدین ترتیب
این بهره به مشتریان سپرده بانکی بپردازند
در خیره های در خدمت سرمایه داران پس از
افزایش دهد و گرنه در تقسیم بهره معاف شده

(سرمایه بانک) در قرض الحسنه مشارکت
اقتصادی تفاوتی در میان نیست. اما این
سیاست راهم رژیم همانند سیاستهای رژیم
در سایر عبارات عوامفریبانه ای در خدمت بهره
نیازمندان پیش میبرد. نورخشی در حساب

سپرده قرض الحسنه میگرد. سپرده
جدید دیگری که در سیستم بانکی ما پیشتر
سپیدی شده سپرده قرض الحسنه است و
کسانی که مایل هستند پولشان را در اختیار
نیازمندان قرار دهند میتوانند اینکار را از

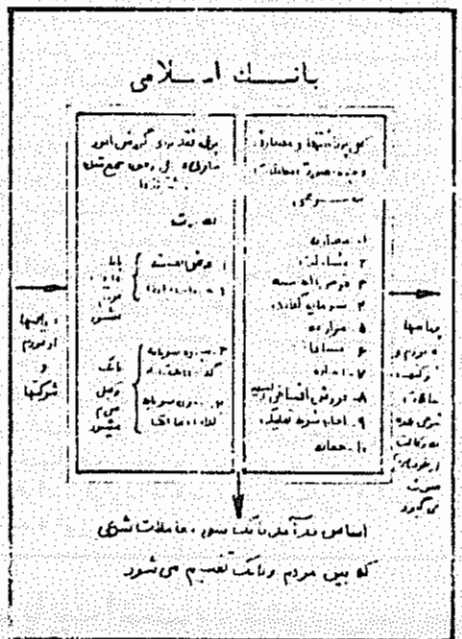
طریق شبکه بانکی انجام دهند و زیاده
عده ای نمیدانند و ایندست میآید پس انداز خود را
در اختیار نیازمندان قرار دهند یکی از جهت
اینکه در ارتباط مستقیم با آن فرد نیازمند
قرار میگیرند و با اینکه فواید منفی را تا حد
کم و اما باز پرداخت آنرا بدینگونه مستعمل
شده و سپس اضافه میکند بانک از این سود

(قرض الحسنه) صرفاً در جهت دادن تسهیلات
برای مدارف ضروری (یعنی همان وامهای
ضروری از قبیل وام مسکن و وام جهت تدفین بر
محل مسکن و ... که همیشه در ایران
نسبت به وام سرمایه گذاریها کمتر است) از
شرط پیشرو در اختیار متقاضیان قرار
بدهد. قرض الحسنه استفاده حرام میگرد

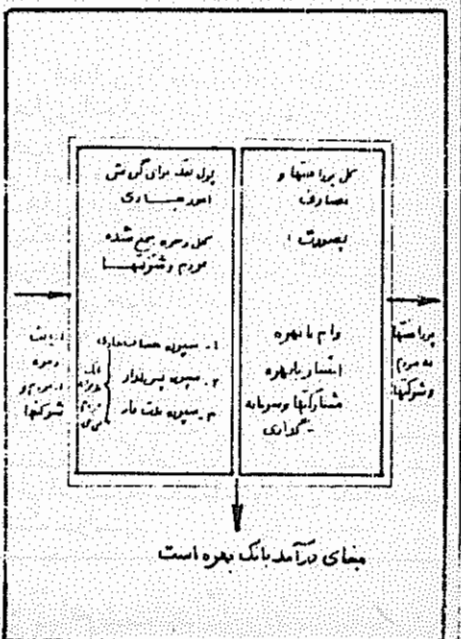
در کمیته ۱۷ آبان ۶۱

صرف نظر از اینکه یک نام مشترک برای
مجموع حساب جاری و پس انداز تحت
عنوان قرض الحسنه، بقیه در صفحه ۹

طرح بانکی داری اسلامی



بانکی آری بر اساس روش متداول



پایگاه . . .

بقیه از صفحه ۱

به آسانی میتوان به نتیجه رسید و معوضت سرمایه و آثار ناشی از آن رسیده و تا آنجا این مالکیت دولتی بود و آنگاه عامل پراخت و تعیین کننده "حکونک مناسبات" با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه داری می تواند ضمن غیر سرمایه داری را در برهه سوسیالیست نماید اما باید پرسید سرعت چنین شرایطی مانعیت دولتی برودند. باید چه در گزینشها در ماهیت سرمایه، بحثها یک رابطه اجتماعی استوار کنند که کارزند و ایجاد کرده و چه شدائی در وثائق سرمایه و عوامل سازمان

دند و این وظایف پدید می آید که حزب "به اعتبار آن" هاله متدیس غیر سرمایه داری را بدو چنین مالکیتی می کشد؟ ساخت عینی این در گزینشها است که میتواند باز با اساس پایگاه طبقاتی حزب توده آشنا

سوسیالیسم علمی بامی آموزد (همچنان که ادعای نه چند ان جدی و قابل اعتماد "برنامه ۱۳۵۴" پلنوم ۱۵ حزب توده نیز "گرمی ادرا") تا زمانیکه پرولتاریا در "سوی و سپس در براس قدرت دولتی قرار بگیرد و بر سر کنترل اکثریت یافتنی تولید استدان بلا واسطه بر وسائل و مالکیت و بطور کلی شرایط عمومی تولید نیز آغاز نخواهد شد. وند ادورد وانی که دولت بود وانی در براس قدرت حاکمه قرار آید چه در حوزه مالکیت خصوصی و آنچه مالکیت دولتی و هنر تولید "توان بلا واسطه در جردائی از برای سبب و ای تولید خود بر سر میروند و هنر تیردی کار خود را در مقیاس گسترده بشماه کالای سرمایه داری در مقابل دستمزده فروخته میروند، هنر تولید از راه پروسه های تولید را در اختیار گرفته و به بطریق پروسه های توزیع ارزشها مایری ایجاد شده و نیز از اکثریت سازمان یافته آن جداست و بر این اساس است که هنر ارزشهای اضافی در پروسه های کار خلق شده و در پروسه گردش به تحقیق استثماری می انجامد و از این روست که رابطه سرمایه و در داشته و عمل میکند و در جریان باز تولید گسترده خود این وظایف ماهوی را با عوامل سازماندهنده و متناظر و متحولی هنها هتک میسازد. اگر بنابه اصول سوسیالیسم علمی، تمام این "نظم" ماهوی را کارگرد سرمایه بنامیم آنگاه باید دید حساسیت اصحاب انگیز حزب توده نسبت به مالکیت دولتی مورد نظر خود ریشه در کدامین خصوصیات درونی این "نظم" دارد و چرا یک چنین "فرض" تمامی مفسوطه و الکتیکسیم مفاهیم و حتی ابهامات و سوتوهای

روزی بنیستی را بحدت میگرد تا بهر صورت سرمایه داری را تنها در همان محدوده مالکیت خصوصی اثر دهن کند! تاریخ تکامل سرمایه داری نشانده که سرمایه بنابه خصالت ذاتی خود، در جریان انباشت گسترده روجه انحصاری گذارد این جریان انحصاری شدن، در فضا از اینک که حاصل تکامل سرمایه داری جوامع پیشرفته در مراحل بالاتری این مناسبات و با حاصل ضعف مناسبات سرمایه داری بود وانی یک جامعه عقب مانده و لزوماً نقلی مکمل بخش دولتی چنین جوامعی باشد و در مرحله مدینه به حدائی مالکیت حقوقی اما مالکیت اقتصادی (اختیار و قدرت اداره سرمایه) می انجامد که مفهوم این حدائی را در ونگل بازاران میتوان مشاهده کرد. این در حالتی که بود وانی ضمن برورداری از مالکیت حقوقی سرمایه از حق اداره یا سازماندهی و طایف و کارگرد سرمایه کنار مانده و این نشت را به مدیران بنماه های سرمایه داری وامیگرد و خود بعنوان سهامدار سرمایه از سود های حاصله بهره مند میشود و دیگر در حالتی که دولت بود وانی به نمایندگی جمعی طبقات استثمارگر، مالکیت سرمایه و غالباً بزرگترین و انحصاری ترین آنرا خود اختصاص داده و مدیران مختلف دولتی به کارگرد این نوع سرمایه سامان می بخشند.

باین ترتیب روشن است که اساساً تفاوت ماهوی بین سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم تحت حکومت بود وانی وجود ندارد و عملکرد سرمایه و استثمار نیروی کار همچنان در روند تولید در هر دو نظام تحقق می یابد.

اما زمانیکه حزب توده هرگونه دولتی شدن را تحت هر شرایطی مورد تأیید قرار داده و آنرا مترادف با "سوسیالیسم" سوسیالیستی" میدانند، حزب که با انجام معاملات بر سر هر موزن طبقه کارگر بنامه عامل تعیین کننده گذار به سوسیالیسم دست زده وند انسان که دیدیم هر معجون مطلوب طبقاتی را با بهترین آن میکند، حزبی که به معرفی میزند تا با ادوی خرید دولتی ماشین آلات سنگین از کشورهای سوسیالیستی و ویژه اتحاد شوروی با شرم خاص خود (یا زهر سرمایه راحتی از سرمایه داری بخش دولتی رژیم شاه بزداید، حزبی که پیشک چند دهه پیش در راه "سازمان" مردم ایران" گذارد (برنامه ۱۳۵۴) و سرانجام در دوران رژیم جمهوری اسلامی با هشداری بازگشت مجد سرمایه داری، به اقتصادیات بخش دولتی این رژیم ماهیت "غیر سرمایه داری" ضد سرمایه داری می بخشد (پلنوم ۱۳۶۰) و خلاصه حزبی که سرمایه داری دولتی را تحت هر شرایطی و هر حاکمیتی اساساً سرمایه داری نمیداند، که این منافع طبقاتی را در چنین دولتی شدن حسس جستجو میکند؟

گفتیم که بود وانی در انطباق با ضروریات مرحله تکامل سرمایه داری به دولتی شدن بخش از سرمایه گردن مینهد و در چنین شرایطی خود بود وانی هرگز به حدی پدید یعنی مهندسیین - تکنوکراتها . . . بحدت دولت درآمد و طبیعت است که در محدوده های طبقاتی خود از راه اقتصادی و امتیازات اجتماعی بالاتر بر خود را پیشوند از همین رو بیشتر جانب سرمایه را میسرند و

آیا در ایران کسی یافت میشود که در استراتژی و تاکتیک و نیز در راهها و روشها، کلاه بازی، دیواری، یا اعضا و حتی بسین اعضای این حزب، ندرات بیشتر از منافع اقتصادی و سیاسی یک چنین افشاری رایافته باشد چنین است جوهره طبقاتی سوسیالیسم فرمسم حزب توده.

با چنین پایگاه خود این آثار است که دست انداختن به ناشی در این ابعاد آن ضرورتاً در حد و نیز تعیین کننده مرزهایی حاکمی اهداف و برنامه و نیز اتحاد و مبارزه "حزب" در میان طبقاتی جامعه قرار گیرد.

خود "حزب" نیز تا آن پیش که به باره مفاهیم "ترقی اجتماعی" ضد امپریالیستی و "سختگیری سوسیالیستی" از او بدیم برای وامیست ادعای "حزب توده" از شر دولتی که از

شرقی ضد امپریالیستی، ضد انرجای ناشی شده باشد بنام خود بخش از راه سون آن تصور صمیمانه سوسیالیستی خواهد نوشت (برنامه ۲۸ - تأکید ما)

برای حزب توده بشماه بزرگترین وادان "مارکسیسم - لنینیسم" خائن تئوری روزی بنیستی "راه رشت سرمایه داری" است، "سازمان" مارکسیست - لنینیستی مروج

موضوع سپرد شده و در هر دو آن اساساً اگر در ایران سوسیالیسم علمی و پرولتاریای آن را می بیند، "سازمان" جنبی تصاحب، کنترل و سرکشی و سیاست آنرا از گرد و در "سوسیالیسم" اکنون در سرمایه داری "مدت" گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم "سازمان" یعنی از کار از این سبکی ساخته و در شده است و در بخش مهمی از مفسوطه فون محلی از اعراض می تواند داشته باشد و در چنین عصری در ایران هرگز بود وانی (بود وانی که بران تحریک بود وانی خود به پروسه های تبدیل مهندسی است با اشکال گوناگون دولتی و با این خود میتواند جداست مانده و از این با سوسیالیسم مترادف و در ایران سوسیالیسم

یکسره کند، ولد این وظیفه
 " احزاب کمونیست " چنین جوامعی است که
 بقوانین دولتهائی گردن گذارد و در قالب
 همان قوانین تادروازه های سوسیالیسم
 بتازند. در این میان البته هیچگاه از
 تجربیات " ناکام " تاریخی، که اتفاقاً (!)
 از احتیاج فریب به صد درصد هم برخوردارند
 نباید آموخت زیرا که تئوری، چنین چیزی را
 مجاز نمیشورد! بر همین اساس است که سه
 حزب توده، ماهم در ارزیوی چندگانه اندازی
 نراندند و به ماشین دولتی، حتی لحظه ای از
 اصل قانون پذیری وقانونی شدن دست
 برنداشتند.

چنین است که بعضی اشتعمام منیم
 سرمایه داری. ولتی قدرت یابند و ویوسزه
 " بسط ضابطه " در ستانه مقابل " بسط
 کتیرهای سوسیالیستی، می بینیم که " حزب
 " عمیقاً در شیویر " انقلاب پس میدمد و
 از " سوزده " هارادعوت به اعتلا " انقلاب
 در قالب " ایران " قانون اساسی ولایت فقیه
 " سوزده " ارزیوی دیگری هروری زده و به شمر
 " سوزده " میشود تا اصل حیاتی (!)
 " سوزده " بودن خود را به اثبات رساند و با اگر
 " سوزده " تا " سوزده " (!) به تمام معنی
 " سوزده " رستی حقیقه کند. حزب توده که پس
 " سوزده " دولتمردان جمهوری اسلامی
 " سوزده " قانون سیاه ۳۱۰ اصلاحاتی
 " سوزده " اند (پلنوم ۵۵)، لغلام میدارد که
 " سوزده " و " سوزده " و " سوزده " بین پیرو خط
 " سوزده " سالم ریوی سوسیالیسم
 " سوزده " خراستار اجرای قانون اساسی
 جمهوری اسلامی در تمامی ابعادش هستند.

پلنوم ۵۶ - تاکید ما) و این قانون
 " بدون تردید بهترین مبدع انقلاب
 شکر خند مبین ماست " (همانجا، ۱۲۴)
 اما از طرفی حزب با اصول ناقص الاصولی
 همچون اصل پنجم و یکصد و هفتم و یکصد و
 هشتم " قانون اساسی " یعنی با صفتی
 همیون " ولایت فقیه " روبرو است که او را
 وامیدارد تا راه را برای هر نوع مانوری بساز
 گذارد: " رفع کمبود ها و نارسائی ها و بیاداره
 کردن سخت گیری های مردمی " قانون اساسی
 (فقط این نوبت ستمبری ها) میتواند راه
 را از یکسری برای بازگشت نظام غارتگر و استبدادی
 " حوی رابسته گذشته سد کند و از سوزده دیگر
 برای پیشرفت به صحنه ستمگری " مردمی
 در کشور هموار سازد. بر پایه همین ارزیابی
 " حزب " با نگرشی آری نظریات انتقادی خود
 (این دیگر افراط در سوزده استفاده از
 د مکرانی است) این قانون اساسی را
 مورد تایید قرار داد و تمام نیروی خود را برای
 اجرای آن بکار انداخت " (همانجا، تاکید)

ما) در وقتی غالب کل " انقلاب پس " بدین
 طریقی منحصر شد و لازم است که توده های
 زحمتکش نیز به فعالیت در این قالب غسرا
 خزانده شوند و یکی از بهترین دستاورد های
 جنبش انقلابی اخیر، یعنی شورا های انقلابی
 خود را که ضامن عمده ای در اعمال مستقیم
 اراده آنان وسط و تحکیم آزاد پیموستی

پایگاه . . .

بقیه از صفحه ۷

د مکرانیک میتوانست باشد، ازسطح
 چشمگیری که بدان دست یافته بوده -
 محدود و قانون مورد علاقه " حزب " بعقب
 بازگردانند، زیرا که از دیدگاه چنین حزبی
 این قانون نیست که باید توسط نهاد های
 انقلابی شود و ای برخاسته از طبقه
 جنبش انقلابی تعیین سوزده " پس توده
 - هاهستند که میبایست باید بازگشت
 ارتداعی (!) شوراها، خود را به سطح
 قوانین فرمایشی مطلوب " حزب " نازل دهند
 درست بر همین اساس است که حزب توده
 در شمارش " پیامدهای بارزات نخستین
 د وسال انقلاب " و " رشد و تثبیت قانونی
 اشکال مدیریت شورائی - روزنگی اجتماعی و
 اقتصادی زحمتکشان شهری و روستا و در چهار
 چوب معینی در ارگانها: اجرائی دولتی و
 نیروهای مسلح، را در بالاترین رده های
 اهمیت قرار داد و در آن اقتدار هم میکند
 (پلنوم ۵۹ - تاکید ما) در عوض " حزب "
 توده هاراهم بی چشمداشت یا اثنی بحال
 خویش رها نمیکند و درین بند پلنوم خود
 انبوهی از الفاظی برای مربوط به بی پایه ترین
 و بیوزترین رفرمها " سوزده " و " سوزده " و " سوزده "
 بعد و رعیت " سوزده " میبایست بشناسند و بر
 آنان مبارزه کند: " تا " قیق برای مالیاتها
 یعنی تقسیم عادلانه درآمد باید به اجرا
 گذاشته شود (که نشانه " سوزده " دولت
 نباید وسیله تجدید توزیع درآمد ملی بسود
 غارتگران بود بلکه باید به نفع زحمتکشان
 باشد) که بوده است (!)، در قانون
 اساسی جمهوری اسلامی تأمین کار و وسیله
 کار برای همه افراد جامعه بعنوان اصل
 در نظر گرفته شده (که البته حتی در مورد
 دستفروشان و دره گردان هم اجرا شد)
 " سوزده " در چهار چوب قانون اساسی و تکمیل
 از باید آزادی عقیده، دین، بیان، قلم،
 موضوعات، اجتماعات، احزاب، اتحادیه
 - های صنفی، سکونت، مسافرت، انتخاب
 شغل، حق اقتصاب برای زحمتکشان و
 آزادی دفاع در محاکم و مصونتهای فردی
 " سوزده " باید نیز تعیین کرد (که البته
 گردید)، مواد قانون اساسی در مورد
 تشکیلاتها (بعنوان ارگانهای اعمال
 حاکمیت محلی از روستا تا استان) میباید
 بدین خدشه بعنوان اجراء رأید (که درآمد)
 (پلنوم ۵۱، ۱۲۸، ۱۵۰ -) و در این
 میان تنها چیزی که حتی حزب توده راهم
 رنج دارد اینست که: " قسریون و
 " واپسگرایان " با کمال استیاد بر محرومیت
 مضاعف زنان مبین مامر افزایش در حالی
 که اینان سهم عظیمی در پیروزی انقلاب
 داشته ولد در قانون اساسی جمهوری
 اسلامی هم مقام والای زن مورد ستایش قرار
 گرفته است (پلنوم ۱۲۸، ۵۰ -) فرستاده
 نخوریم و در شرایط کنونی جامعه " سوزده "

توده با تبلیغ و ترویج اصل " خوب سوزده
 قانون و بد بودن مخالفان و برخی مجریان
 قانونی " و نیز با انبوه تاسف ناله ها و سوزده
 قصد فریب خویش را در ادویه پستواننده
 بهینش تقویت کرده و پایگاه طبقاتی اثر
 قدر کفایت کارگشته شد که حتی با نا اتمس
 جعلگی شعارهای کارگرو توده فریب خویش
 باز هم میدان رانبارد: حزبی که میدانست
 نه در جنبه مبارزه توده که در سازش
 و گذارصالت امیز قرار داد با شکست توده
 - ها چه چیز چیزی توهم آنان را میتوانست از
 دست بدهد؟ (البته اگر ایام سوزده
 میان توده هاداشته نامیده اند) در
 اینک حزب توده که علیرغم خراستپساران
 آشکاره توده هاسوزده را در ن برهنه
 حنا پنهان رژیم و توجیه سیاستهای
 کارگرو، ضد خلقی و فاشیستی هم سوزده
 اسلامی خود در اد می که گسترده بود
 آمد است تشکیلاتی را خراب کند و میکند
 که جناح راست را و جنبه قدرت را
 کرده و اگر بیان خود را از تمام شور
 روزیونیستی خود خلاص میکند تا سوزده
 در ادی و دیگر با کجیتی دیگر ریزان
 - گیرن سوسیالیستی را توده " سوزده "

در خاتمه این بخش از ستانه توده
 نگه ضروری است که از دیدگاه " سوزده " و
 - روی حزب توده از سیاستهای انحرافی
 اتحاد شوروی و پیوستگی آن در سوزده
 و با فعالیت حزب توفیقیت شوروی از سوزده
 توده، و مشابه یکسان دانستن آنها
 حیاتی است. چرا که تشکیلاتی روزیونیستی
 حزب توفیقیت شوروی در اینک ساختار
 سوسیالیستی مطرح بود و سوزده را
 اجتنابی باید وحال " سوزده " و
 جامعه، سوزده ایران غلابه " سوزده
 طبقاتی و خند متوزان به بزرگ
 شده است.

**در تکتیرو توزیع آثار
 سازمان بگوشسید**

**با کمکهای مالی خود
 سازمان را یاری رسانید**

بانک . . . بقیه از صفحه ۹

علاوه بر این وام ، اعطای اعتبار است . این امر از آن جهت است که ارزش کالا های تولید شده را قبل از فروش تحقق بخشد . بانکداری اعتباری است که از سرمایه پولی اضافی سپرده شده در بانکها تامین میگردد ، در عین حال که هنوز کالا های از قبل تولید شده بفروش نرفته و در حال توزیع نشده هنوز وجود دارد ، اما تسهیل و تسریع گردش کالا ها و تحریک هر چه بیدار سرمایه در گردش را فراهم می کند و مدت زمان گردش سرمایه را تسهیل بصورت خرید اعتباری وسایل تولید ، کاهش میدهد و با گسترش قلمرو عملیات سرمایه بر سود سرمایه می افزاید .

شرکت سهامی

شرکت سهامی نیز مشارکت سرمایه ها است و در آن غیر از سرمایه داران بسه صاحبان مقدار سرمایه شان از تعداد معینی سهام برخوردار میشوند . این سهام بوسیله باندهای آن حق میدهد که از بخشی از درآمد شرکت بعنوان سود سهام در یافت کند . بر همین اساس است که سرمایه داران و در آن ای سرمایه داری این نوع مشارکت سرمایه را به سهولت آنکه هر کس با سرمایه های خود میتواند پس اندازهای ناچیز را برای خرید سهام بپردازد و از آنجا که مشارکتی قلمداد می کنند که در جهت باصلاح منافع تمامی اعتبار میباشد . چرا که به ظاهر سرمایه داران متعددی بوسیله تولید مالکیت دارند . اما در واقع اینهم شکلی از حکومت سرمایه و بیابانگر محله مهمی در تراکم سرمایه است . زیرا سهام دار خود در حقیقت پس اندازهای عمل را اختیار صاحبان صنایع و بانکداران که قسمت اعظم سهام را در اختیار دارند ، قرار میدهند . و این صاحبان سهم های بزرگ هستند که کنترل و سازمان دادن شرکت های سهامی را در اختیار میگیرند . از این جهت یکسان دانستن سهام یک سرمایه دار که با درآمد ناشی از فروش نیروی کار کارگران ، گذران زندگی میکند با سهام سرمایه خرد ، فریبی نیست . که در اینصورت میانگین یک کارگر میانگین حل را هم یک سرمایه دار است .

در صورت پیشین گفتیم بانک با انباشت و تمرکز ذخیره ها سرمایه پولی را به دست اختیار سرمایه دار قرار میدهد . اما با بیعی است برای آنکه مردم حاضر شوند پول خود را به بانکها بسپارند ، بانکها در سود عنوان بهره به آنها میدهد . اما در اینجا این عنوان بهره می آید که این بهره جزو منافع تأمین میشود . گفته میشود از بهره رانی که سرمایه دار از دریافت قرض به بانکها میبرد از آنجا که سرمایه داران را تسهیل میکند که بانکها در اثر تسهیل کار انداختن سرمایه های جمع شده میبرند . اما در واقع منشأ بهره بانکی چیست ؟

منشأ بهره بانکی - نرخ بهره

بر اساس آنچه گفتیم ، سرمایه دار صنعتی (سرمایه تولیدی) نقش مستقیم در تصاحب کار اضافی طبقه کارگر یعنی ارزش اضافی دارد . از این رو منشأ بهره و سود بانکی را نیز باید در رکن کارخانه ها ، یعنی در بخشهای تولیدی آنجا که کالا تولید میشود ، جستجو کرد . زیرا تنها در این رشته است که ارزشی (به ارزش کالاها) بدلیل کاری که بر روی آنها صورت میگیرد ، اضافه میشود .

میدانیم صاحب سرمایه که در این ارزش واقعی آن یعنی محموله ، مقدار آری که برای تولید کالا مصرف شده در وقت میسرمانند . فرض کنیم کارفرمائی کالا را به قیمت (میان پولی ارزش) ۶۰۰ ریال بفروش رساند . و از این مقدار مثلاً ۱۰۰ ریال ارزش مواد خام - مصرف شده و ارزش ناشی از استهلاک شدن ماشین آلات و . . . بماند . و ۵۰۰ ریال از ۵۰۰ ریال باقی ماند . این نیز بعنوان دستمزد به مثابه بخشی از ارزش آن انجام شده . بکارگر پرداخت نماید . و نیز در این ۵۰۰ ریال برای سرمایه دار باقی میماند و چون آنکه هیچ معادلی در مقابل آن پرداخت کرده باشد . از این رو کارگر بابت این دستمزد محصول ، ارزشی به مواد خام افزوده که با دستمزدی که در یافت میدارد ، تفاوت دارد که این تفاوت نصیب سرمایه دار می شود . و این تفاوت همان ارزش اضافی که سرمایه تصاحب میکند . سه عبارتی ارزش اضافی نتیجه آن بخش از ارزش کار انجام شده است که دستمزد به آن تعدیل نگرفته است . اما سرمایه دار آن که کار بدون دستمزد استقیم از کارگران می شود و در کارگزاران تثبیت میکند ، البته نخستین مندرج این اضافه ارزش است ولی به هیچ وجه آخرین مالک آن نیست . وی باید بعد از این اضافه ارزش را با سرمایه داران تقسیم کند که سه و نایف و بگریز در مجموعه تولید اجتناب نسی انجام میدهند یعنی بانک زمین و بهره .

بنابر این اضافه ارزش به قسمت های مختلفی تقسیم میشود که در آن بدست و هان که تاکنون از اشخاص میسر شده هر یک از آن کس در ادراک بر این یکدیگر اشکال مختلف و مستقلی پیدا می کند ، مانند سود ، بهره ، سود بانکی ، بهره زمین و غیره (مارکس - سرمایه) . اما ما نیز بخشی از اضافه ارزش بصورت سود بانکی را در اختیار تاجر قرار می دهیم که صاحب سرمایه تولیدی ، محصولش را با این تسریع از ارزش آن بفروش رساند و از این طریق قسمتی از ارزش اضافی بدست آمده از استثمار کارگران را به تاجر واگذارد . مطابق با مثال فوق ، اگر کارخانه دار محصولش را به قیمتی کمتر از قیمت تولید (۶۰۰ ریال) ، مثلاً ۵۰۰ ریال یعنی کمتر از ارزش آن بفروشد و تا آخر هم مجدداً محصول را به انداز ارزش آن بفروشد ، مابقی تفاوت دو قیمت سود بانکی است که نصیب تاجر شده است . بعبارتی تاجر هم مانند کارخانه دار سود متوسط سرمایه خویش را دریافت کرده که در واقع ارزش اضافی است که بصورت سود بانکی در کارگزاران در آمده است . بنابر این از آنجا که

سرمایه تجاری در تولید شرکت ندارد ، باید بازرگانی نیز از تجارت یعنی روند گردش کالا بدست نیامده بلکه جزئی از کل ارزش اضافی استثمار کارگران است . مجموعه طبقه سرمایه دار کشور نمیتواند خسود از خودش بهره کشی نماید . (مارکس - سرمایه) در مورد بانکداران و بهره بانکی نیز همین مسئله صدق میکند . سرمایه دار صنعتی و تاجر ، از آنجا که مدوفا سرمایه - هایشان در گردش است و از این رو بخش سود های توزیع نشده وجود دارد ، در عین حال نیاز به سرمایه اضافی دارند ، از آنجا که برای تأمین سرمایه اولیه وام میگیرند و در مقابل مثلاً در پایان یکسال ، تمام سرمایه را به اضافه بهره سالیانه بدست می آورند پس میدهند . روشن است که صاحبان صنایع و تاجر ، بهره پول خود را از محاسبات سودی که میبرند به بانکدار میپردازند . بدین معنایکه برای پرداخت بهره پول خود نیاز از ارزشی از سود خود صرف نکرده و از آنرا در اختیار بانکداران قرار میدهد . نتیجه بهره چیزی نیست جز تقسیم ارزش اضافی اضافه ای که از طرف بانکداران به سرمایه بدست آمده است . اما سرمایه داران و بانکداران حاصل از بهره پولی نیستند . بانکها مستقیم در سرمایه گذار نیستند ، تجاری و کشاورزی و . . . شرکت میکنند از این جهت سودی بدست می آورند که از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران خود بدست می آورند .

از مباحث فوق میتوان تقسیم ارزش اضافی را بصورت درآمدهای ذیل مشخص کرد

- ۱- سود سرمایه صنعتی (صاحبان صنایع) ،
- ۲- سود سرمایه تجاری (تاجران) ،
- ۳- بهره و سود سرمایه بانکی (بانکداران)

که مجموعاً میتوانند بصورت سود سهام ، سود های توزیع نشده و حقوق کارکنان شناخته شوند . مختصراً آنکه سرمایه دار صنعتی بابت تصاحب مستقیم ارزش اضافی ، تاجر بابت سرمایه کالائی سرمایه پولی و بانکداران بابت تمرکز و اجابجائی سرمایه پولی ، هر یک سهمی برای خود بشکل سود از ارزش اضافی کسبه طبقه کارگر تولید کرده است بر میدارند . سرمایه داران صنعتی بصورت سود صنعتی ، بازرگانان بصورت سود بازرگانی و بانکداران نیز بهره وام را بدست می آورند .

نرخ بهره

گفتیم هر سرمایه داری در پی یافتن سرمایه اضافی است و تقسیم بانکها با این نیت نقش تمرکز وسیع سرمایه هان اجتماعات و اندوخته ها ، هر قدر آری پولی را به سرمایه پولی تبدیل می کنند . بنابر این نرخ بهره در نتیجه واکنش متقابل عرضه و تقاضای سرمایه پولی شکل میگیرد . منطقیست چنین رابطه ای میانگروابط تولیدی معینی است که اجتناب ناپذیر است . میدهند ذخیره های پولی سرمایه تند نیستند ، سود تا در نتیجه بقیه در صفحه ۱۱

و دیده گذاشته شده، بهره کمتری از سرمایه به وام داده شده به سرمایه داران میبرد ازند و این مابه التفاوت سود آنها را تشکیل میدهد.

اکنون بانوجه به آنچه در مورد سیستم بانکی بطور کلی در جوامع سرمایه داری گفتیم و بانگش در باره به در طرح ارائه شده از سوی رئیس کل بانک مرکزی و نیز بانوجه به اینکه سود سرمایه گذارینها و بهره بانکی هر یک بخشی از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران است، مشخص میشود که آنچه تحت عنوان "بانک اسلامی" و "حذف بهره" و قرار گرفتن سود بجای بهره از سوی رژیم مطرح میشود، در ماهیت امر، استثمار کارگران به نفع سرمایه داران تفاوتی رخ ننموده و عملیات بانکی سرمایه دارانه طرح اسلامی بانگداری باز هم راه انداختن کسار سرمایه داران بخرج تولید کنندگان واقعی کارگران و زحمتکشان راه هدف دارد.

پس نقش بانک معنای "حذف بهره" از سوی رژیم خود همین است شباهت و همانست معنایست که از فعالیتهای سازنده ای که بانکها میتوانند انجام دهند جلوگیری شود. زیرا فعالیت بانکها بانجه به نقش آنها در فعالیت اقتصادی کشور لازم است بانکها باید درآمد شرعی (۱) برای کسانی که بخواهند خود را به آنها سازگار کنند.

اساس لایحه خدمات بانکی بدون بهره، سه منظور شرکت همه جانبه بانکها در توسعه فعالیتهای اقتصادی و تأمین عایدات مشروع برای سپرده گذاران، بانکها فعالیت اقتصادی را تأمین کنند و منابع مالی بنگاه درگانه فعالیتهای اقتصادی کشور علاوه بر تأمین منابع مالی مشارکت سرمایه گذاران خواهند کرد. (کیهان ۱۲/۱۲/۵) رژیم هم

چقدر به عوام قریب دست زند و کلاه سود بتراند و باز هم تاجارا ماهیت اثر را آشکار میکند. خوشبختی ها که در انتقاد به نتیجه کار کمیسیون ویژه بانکی مجلس، فریاد میزند که "بجای دادن بهره به صاحب پول با او یک معامله ظاهر شرعی انجام میشود، (اطلاعات ۱/۹/۶۱) و بانگش از آنجا میگذرد که "سود" را کلاه شرعی بپوشانند.

"طبق آمار که مسئولین دادند حدود ۹۰٪ کل سپرده عوامس اند ازهای موجود در بانکها تعلق به ۵٪ کل سپرده گذاران است. ما باید ببینیم آن ۵ درصدی که ۹۰ درصد سپرده ها در اختیارشان است ای آنها... وسیع رسیده (اند) که حاضر باشند بیایند ۲۰، ۳۰، ۵۰ میلیون تومان پولهای راگشان را در داخل سیستم بانکی بگذارند و بگویند ما بهره تمخواهیم فقط به خاطر ثواب این کار را کردیم. اگر اینطور بود یقیناً ما متوجه این شیوه هانمیشدیم ولی واقعیت این است که اینطور نیست. بقیه در صفحه ۱۲

بانک

بقیه از صفحه ۱۰
در حوصله این نوشته نیست، به آن نمی پردازیم.

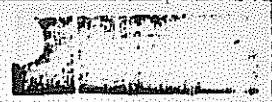
به صفر رساندن نرخ بهره را بیشتر توضیح دهیم. میدانیم هنگامی که شخصی پول به بانک می سپارد، انتظار دارد پس از گذشت یکسال، با احتساب نرخ سود، مقداری پولی که دریافت می دارد، قسودت خریدش به اندازه سال گذشته باشد. همین مسئله در مورد بانک هم صدق میکند هنگامی که به سرمایه دار صنعتی و با تجار و... وام میدهد... بین معنای بانک نیز می باید علاوه بر اصل پول خود، مبلغی برای حبران توهم، همچنین از آنجا که بانک هزینه های مختلفی از جمله حقوق کارکنان بانک و غیره دارد. در درصدی جهت تأمین هزینه های اجرایی وصول کند. و علاوه بر این بانک بخاطر عدم استفاده از سرمایه اش در درصدی نیز نمیتوان بهره که قسمتی از سود توسط سرمایه داری است، دریافت میکند. با این حساب می بینیم نرخ بهره بانکی مثلاً در شرایط کنونی ایران، حتی اگر نرخ رسمی توهم را قبول کنیم، با در نظر گرفتن نرخ هزینه های اجرایی نرخ بهره بانکی که بانک از بانک گذران (سرمایه داران) - وصول کند می باید بیش از بهره ای باشد که هم اکنون سرمایه داران به بانک میپردازند اما همچنانکه شاهد بودیم نرخ بهره بانکی چه در رژیم شاه و پیشتر در جمهوری اسلامی به برکت درآمد نفت معواره پائین از صفر بود که این خود طریقه ای است بسیاری بود بری بی رنج و زحمت سرمایه داران از ضایع و ثروت های ملی.

بدین ترتیب روشن میگردد که بانکها و بانکداران از روی نوع دوستی نیست که به عنوان واسطه بین عرضه کنندگان و تقاضایان سرمایه پولی عمل میکنند. عملیات بانکی نیز مانند سایر موسسات سرمایه داری در راه هدف معینی انجام میگیرد. سود بسیاری سرمایه داران که سرچشمه آن همان ارزش اضافی است و در این میان سود بانکی نیز در اصل عبارتست از مابه التفاوت نرخ بهره ای که به پس انداز کنندگان پول میدهد و نرخ بهره ای که از اعتبار گیرندگان دریافت می دارد که برای سود باید درآمد همای دیگری نیز افزود از جمله سودی که در اثر بکار انداختن سرمایه های جمع شده در بخش تولیدی میبرند که بر مراتب بیشتر از بهره ای است که به مشتریان خود میدهد و همچنین درآمدی که از انواع کمیسیونها و حق دلالتی و حق العمل کاری برای سرمایه گذارینها و انجام معاهدات ارزی کسب میکنند. در مورد مابه التفاوت نرخ بهره اضافه کنیم که در حقیقت بانکها برای سپرده ها که توسط سرمایه داران صنعتی و تجار و نیز توسط گروههای مختلف مردم در بانکها به

تولید شده توسط کارگران را بخود اختصاص دهد. بر همین اساس نیز روشن میگردد که سرمایه اکنون که به روز واری و دولت سرمایه داری برای حفظ "تقدیر مالکیت" از معینی پول یا وسائل تولید، تعریف می کنند سود، بلکه سرمایه یک رابطه اجتماعی - تولیدی معین تاریخی است که در آن وسایل تولید در مالکیت خصوصی سرمایه داران برای استثمار بهره کشی از طبقه کارگر بکار گرفته میشود. از این رو سرمایه ارزشی است که با استثمار کار مزدوری، ارزش اضافی، تولید می کند.

اشاره کردیم که نرخ بهره بستگی به عرضه و تقاضای سرمایه دار و وسیله سود های حاصل از بکار گرفتن خود سرمایه تنظیم میشود. بر این اساس بهره غالباً نثر از سود است زیرا در صورت برابری آنها، وام گرفتن عم ضرورت وجودی اش را از دست میداد. چرا که سرمایه دار هدفش از وام گرفتن سرمایه، تأمین متوسط سود است. بنابراین با در نظر گرفتن رابطه ارزش - اضافی با سود، بهره و سود با یکدیگر رابطه این سه شکل تبعی ارزش اضافی با یکدیگر، و بانوجه به درجه استثمار کار در شرایط مختلف، میتوان گفت تعیین و نوسان نرخ بهره بیشتر از همه به افزایش و کاهش ارزش اضافی بستگی دارد، که متغیرترین تفاوت نرخ را در بخشهای دراز مدت - کوتاه مدت - میان بهره مشاهده کرد. غالباً بانکها در برابری از جمله کمبود پول، بهره سپرده های دراز مدت (سپرده سرمایه گذاری) که در سرمایه گذارینها نقش مهمتری دارند، بیشتر از نرخ بهره سپرده های کوتاه مدت است. اما، بهر حال نرخ بهره در حد حاصل معینی میتواند نوسان کند که این حد معین نمیتواند بیش از حد متوسط سود سرمایه داری در فعالیتهای مختلف اقتصادی باشد. در میتواند از حد مغزیه پائین میل کند.

اما آنچه بر شعردیم در مورد اقتصاد های باصلاح امیرال صدق میکند. در کشورهای تحت سلطه وضع بانگداری و نرخ بهره به گونه ای دیگر صورت میگیرد. در این گونه کشورهای از آنجا که دولت، بر منابع اساسی مالی و اعتباری کنترل دارد میتواند مقدار اروام و اعتبار و نرخ بهره را بدون در نظر گرفتن ضوابط اقتصادی - که بهر حال کاملاً مستقل از مکانیسم بازار نیست - که پیش از این بر شعردیم، تعیین کند. چنین دولتی به منظور توسعه و گسترش هر چه بیشتر سرمایه داری وابسته، نرخ بهره را به صفر رساند حتی پائین تر از صفر میسازد. اضافه کنیم که همین مسئله به صفر رساندن نرخ بهره در اقتصاد کشورهای امپریالیستی (سرمایه داری انحصاری دولتی) نیز صدق میکند و در واقع "حذف بهره" یک رهنمود سرمایه داری است که در شرایطی که میل سرمایه گذاری در سرمایه داران به علت اختلال در گردش سرمایه، اندک است مورد استفاده قرار میگیرد، اما از آنجا که برخورد به این مسئله



پانک . . .

بقیه از صفحه ۱۱

صاحبان اندوخته ها برای پولهایشان سود و بهره میخواهند و اگر ما بخواهیم بهره حذف بشود و بجای آن - انضام را در اختیار سیستم بانکی قرارند هم که با استمداد از آن ابزار این اندوخته ها را در داخل سیستم بانکی نگذارند طبعاً اینها پولهایشان را از بانکها خارج میکنند و شما میدانید که فاجعه این وضع چه خواهد بود که در حال حاضر آن ۵ درصد بپایند آن ۱۰ درصد موجود چهار از بانکها بیرون بیفتد - بدلیل اینکه وقتی بهره نبود آن فرد این را نفی می کند و پولش را در بانک میگذارد - بنابراین او را از بازار آزاد می شود پارتیا خوار می شود بازار آزاد را باید ایجاد کند یا به بورس بسازی در آن کالاها میگذرد و با خرید کالا های مصرفی بیشتر از اندازه مصرف و کالا های لوکس و تجملی رونق می آید - بهر حال ما در وضعی هستیم که نیاز رژیم اگر رونق بدهد بهره نباشد انضام را در اختیار سیستم بانکی قرارند هم که با آن ابزار اولاً اسلامی باشد و خلاف شرع نباشد و ضمن انضام میگویم این جمله ، کلاه شرعی تعبیر سر

۱۳۶۲ / ۱۰ / ۲۰ (۶۱)

نیازی نیست که به کلاه شرعی تعبیر شود ، خود کلاه است ، لایحه سیستم جدید بانکی بدون بهره ، انقدر صریح و روشن مقصود دفاع از سرمایه داران را بیان میکند که انضام در مجلس میگوید " هیچ ابائی نداریم که سود بدست آوریم " رژیم بدنیال شکست طرحهای گذشته در جذب سرمایه ها و حرکت در آوردن چرخهای اقتصادی برای غلبه بر بحران ، اهرم مسی می جست تا شاید اقتصاد ورشکسته و بیمار را نجات دهد و نظم سرمایه دارانه را برقرار کند و ارائه طرح مشخص سیستم " جدید بانکی بدون بهره " کوشش برای تبدیل سرمایه های راگد به سرمایه مولد جهت بالا رفتن درآمد حاصل از تولیدات داخلی در بخش خصوصی و تلاش است برای هماهنگی و پیوند سرمایه های " سرگردان " با سیاست رژیم در برقراری نظم سرمایه و این هماهنگی انحناهای می یابد که سرمایه های راگد به کمک وضعیت نابه هنجار مالی بشتابد و " سیستم جدید بانکی " آن اهرم هماهنگ کننده است که می بایستد اطعینان به تامین سود سرمایه داران و - نتیجتاً سرمایه ها به روند تولید و بسه گردش در آمدن سرمایه های راگد را تامین کند . اما شکست این طرح برای رفع بحران

از هم اکنون مسجل است ، زیرا آنچه مانع پیشبرد این لایحه است ، مبارزه کارگران و محنت کشان است که نمیگذارد ، در سرمایه ستد از آن رغبتی به سوی سرمایه گذاری مولد پیدا آورد ، و محتام بخش ها و مانورهای دولت را به نفع سرمایه داران بی اثر میکند .

در اینجا این بخش از مقاله را بیاوریم : در بخش دیگر در عین برخورد به مواد مصوبه " ربحه سیستم عملیات بانکی بدون بهره " نشان خواهیم داد که رژیم چگونه از یکسو بایکسان جلوه دادن رسا و بهره و در واقع سرزنش کند انضام سرمایه بد مشابه یک رابطه احتمالی تلاش میکند نسبت تنها سودبری از سرمایه گذارین را تحت عنوان عقود اسلامی تامین کند بلکه با دستکاری در نرخ بهره تا حد صفرو بازیر صفر رساندن آن به عنایت ذخاثری چون نفت سود سرمایه را تضمین نماید . و از سوی دیگر نشان خواهیم داد که رژیم با طرح سود بجای بهره و نیز " سود های ترجیحی " در همین اطمینان خاطر دادن سرمایه داران در تضمین اصل پولشان و کسب حد اکثر سود و فقدان خطر ورشکستگی ، برای تسنن سودبری سرمایه داران بی افزایش نا از این طریق با جذب سرمایه های بزرگ به روند تولیدات داخلی بر بحران فائق آید .

پاسخ . . .

بقیه از صفحه ۳

در نظریه های ما ، سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان ایران یک سازمان محلی است که ریشه عمیقاً هفاتی دارد و بسندون لفراف ۵۹ درصد نیروی آن نه مارکسیست - لنینیست بلکه ناسیونالیست کرد میباشند و از این جهت سازمان نیز یک گروه محدود روشنفکر است که بجزرات میتوان گفت آنقدر با وجود اینها و ساء ، توده مردم ناشناخته است که حتی از هر صد کارگر آگاه ۹۰ نفر سید اند که اصلاً گروهی بنام اتحاد مبارزان نبودند و در پاره ؟ تکلیف حزبی که شما میخواهید تشکیل دهید از هم اکنون روشن است . در پایان اشاره باین مسئله نیز ضروریست که حتی دعوت شما از سازمانها و گروههای اساساً متضاد برای اظهار نظر در مورد برنامه شما بیان چیزی جز آشفتگی فکری شما نیست . شما خوب میدانید که دره ای - ژرف میان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، راه کار گروهی و با مثال حزب رنجبران وجود دارد . اما شما از همه این سازمانها و گروهها میخواهید که نظرشان را راجع به برنامه شما ارائه دهند . این امر

بپانگ چیزی جز سرگردانی شما نیست .

ما پاسخ عملی خود را به نامه شما بزودی با انتشار برنامه ای خواهیم داد که هم اکنون طرح آن آماده انتشار بیرونی شده است . ما این طرح برنامه را پیش از تصویب هلداد رسماً منتشر به دست خواهیم کرد . گذاردن نام سازمانها و گروهها نظر خود را بیامون بندند آن را آنگاه دهند ، و همین - نداریم که چنین برنامه ای میتواند شایستگی نام برنامه ، حزب کمونیست را داشته باشد و نه آنچه که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده اید .

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۳۶۲ / ۳ / ۱

درخواستیه . . .

بقیه از صفحه ۵

سازیل اصلی انقلاب حفظ شود در پی بدست آوردن سود مشروع و معقول هم هستیم و هیچ ابائی نداریم که سود بدست آوریم .

(جلسه بحث لایحه ، اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲)

زواره ای (اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲) :
" بهره ای را که سابقاً بانک می گرفت بصورت مضاعفی بایک کلاه شرعی از طرف میگیرند .

موسوی بجنوردی (اطلاعات ۱۸ / ۲ / ۶۲) : این سپرده ها ، سپرده های سرمایه گذاری است و می باید با اینها کار کرد و - ایجاد ارزش کرد و بخشی از آنها باید به سپرده گذاران برسد تا به این ترتیب سب کارهای جامعه بگردش در بیاید .

نویسنده (اطلاعات ۱۸ / ۳ / ۶۲) خطاب به نمایندگان : شما اجازه دارید و جوهی تحت عنوان سپرده سرمایه گذاری در بانک جمع شود . بنابراین باید اجازه دهید که این سرمایه گذارین رجا هائی بکار رود که انتظار سود است .

خوشبین ها (اطلاعات ۲۱ / ۳ / ۶۲) :
" همه آن کسانی که از باب رجوع بودند بنا تغییر نظام عملیات از سوی بغیر بوی ، از باب رجوع که از بین میروند . همه آن کسانی که برای هر نوع فعالیت اقتصادی احتیاج به پول پیدا میکنند و سراغ بانکهای آمدند بعد از این تغییر نظام باز هم خواهند آمد .

مبارزات و فعالیتهای انقلابی رفقا و همرازان سازمان در خارج از کشور

جنبش انقلابی خلق کرد

اغتنصاب سراسری در کردستان

بدنبال عملیات قهرمانانه پیشمرگان کرد در شهرهای کردستان بویژه در مهاباد و کشته شدن تعداد کثیری از مزدوران رژیم از جمله جانشین فرمانده قرارگاه حمزه، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۴ خرداد ۹۰ نر از بهترین فرزندان خلق کرد راه جوخه اعلام سربو و سپس اعلام کرد هر کس میخواد همدجند فرزندش را تحویل بدهد بگردد باید یک جعبه شیرینی و یک دسته گل بیاورد تا حینسرد را تحویل بدهیم! مردم قهرمان شهرهای کردستان در اعتراض بسینه اعلامهای دسته جمعی و در پاسخ بسینه دعوت سازمانهای مرفوق و انقلابی خلق کرد از تاریخ ۵ خرداد بعدت سه روز دست بید اغتصاب عمومی زدند. مردم تمام مغازه ها را بستند و کارگران بویژه در سندان کارخانه ها را تعطیل کردند. حتی مسافران نقلیه عمومی از جمله تاکسی ها دست از کار کشیدند. همچنین در راهپیمایی که به همین مناسبت در سندان برگزار شد مردم به چند جاش مزدور حمله ور شده و آنان را منسروب کردند و شمار مرگ بر همین سندان در آن روزهاست. اولین روز اغتصاب در مهاباد بدست خاست خود فروش بدست سازمانهای انقلابی خلق کرد اعلام انقلابی شد. رژیم جمهوری اسلامی که از اغتصاب سراسری مردم تهران کردستان وحشت زده شده بود در راهپیمایی مهاباد اعلام کرد که مردم بخاطر کشته شدن این جاش خود فروخته رژیم را بر عزمی دارند و سعی کردند تبدیل به عمومی را در رابطه با بای قلمداد کنند. همچنین علیرغم کنترل شدید شهرها از سوی مزدوران رژیم، پیشمرگان قهرمان خلق کرد در سومین روز اغتصاب وارد مهاباد شده و مرکز را در دست تلویزیون و چند پایگاه رژیم را مورد حمله قرار داده و سالم به پایگاههای خود بازگشتند. ضمناً بر طبق گزارشات رسیده در شهرهای سنقر، هانیه، مهاباد، سنندج، بوکان و نغده تمام مغازه ها بسته بود و بسا تمام فشاری که مزدوران رژیم بر مردم زحمتکش کرد وارد آوردند، نتوانسته اند اغتصاب عمومی را بشکنند، حتی در شهر نغده که نمایی از اهالی کرد نیستند، اغتصاب عمومی کلاً رعایت شده و مردم زحمتکش ترک نقصد و نیز با تعطیل مغازه ها و... از مبارزات خلق قهرمان کرد در پشتیبانی رسیده کرده اند. مردم قهرمان کردستان بسا حرکت یکپارچه خود را در بگر ضعیف و زبون رژیم و مزدوران را در سرکوب خلق کرد بشمایتش نهادند.

تبلیغ مواضع سازمان و افشای رژیم بعثت داشته است. چاپ مجله "نشریه کار" و "ریگای گل" و برنامه عملی، بولتن های مباحثات و متن آموزشی تهیه و چاپ بوسترهایی از رفقای شهید سازمان و... از دیگر فعالیتهای رفقا بود. همچنین هم اکنون گزیده هایی از مقالات نشریه کار و بزبانهای آلمانی و فرانسوی تحت عنوان "منتشر میشود".

طی چند ماه اخیر فعالیتهای اداکارانه زیر صورت گرفته است:

- ۱- اشغال دفتر هواپیمایی ایران در همدان همزمان با برگزاری بازیهای آسیایی.
 - ۲- در روز ۸ مارس ۱۱ تن از رفقای زن - خود راه محل کنفرانس رسانده و به میله ها سی میدان زنجیر کردند تا نمایش از اسارت زنان را در رژیم جمهوری اسلامی به نمایش نهند.
 - ۳- ۹ مارس - بنامین در آوردن صحنه ای از اعدامهای رژیم (اعدام در ملا عام) در مقابل روزنامه های سراسری هند. این صحنه انجمنان طبعی بود که صد ها تن در صحنه تجمع کردند و بزرافیک خیابان که از پرجمعیتترین نقاط دهلی است در چهار اشکال شد. این حرکت نیم ساعت بطول ایستاد و با سندان پلیمس در حال رفتن با برآکنده شدند.
 - ۴- ۱۰ مارس - در مقابل هتل محصل اقامت خبرنگاران خارجی که در رابطه با کنفرانس غیرمته شده به دهلی آمده بودند و رفقا خبر را بدست ۲۰ دقیقه زنجیر کردند و همزمان ۲۰۰۰ اعلامیه بزبانهای هندی و انگلیسی پخش شده. علیرغم سانسور حاکم بر روزنامه های هندسه و آکسیرهای فوق در سطوح مختلف انعکاس یافت و چهار گریه رژیم جمهوری اسلامی بین ازمایش افشا گردید. این فعالیتهای شرایطی صورت گرفت که پلیس ضد شورش هند کنترل شده و برد هلی داشت و حتی از تاریخ ۱۸ فوریه تا ۱۵ مارس بسینه ایرانیا مخالف رژیم تکیاد ستودار شده بود از محل اقامت خود خارج نشوند و در سلهای اقامت ایرانیا پلیس بطور شبانه روز کشیک میداد.
 - ۵- برگزاری مراسمی بنامت سالگرد رستاخیر سپاهلک و قیام.
- همچنین همزمان با ورود ولایتی وزیر خارجه رژیم به نیویورک جهت شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل، یکسری تظاهرات موفقیته امیز توسط دانشجویان هوادار - سازمانهای انقلابی صورت گرفت که رفقای ما در این حرکت شرکت فعال داشتند. جنبش دانشجویی خارج از کشور، طی دو سال اخیر

شک نیست که عرصه واقعی مبارزه طبقاتی آنجائی است که توده های میلیونی حضور دارند، اما هیچگاه مبارزه انقلابی در محدود و مرزها محصور نمی ماند. اگر رفقای ما در سایه شوم خفقان حاکم در جامعه و علیرغم حضور بی وقته مزدوران مسلح رژیم در هر کوی و برزن، با تاملات خسی خسی تا ناپدید و وظائف سازمانی و مبارزاتی خود را بر پایه پیش میبرند و در شرایطی که در دشمنی یک اعلامیه و تراکت بر علیه رژیم در این اوقات اعلام را بدنبال دارد، صد ها اعلامیه و شبانه و نشریه سازمان را بسینه هم می رسانند و هرگاه به اسارت رژیم در آیند، با مقاومتهای قهرمانانه و حماسی در بوزه حیلان و شکنجه گران را بخاک میسازند و بدانی و را با سرور رهائی کارگران و سندان برای جوخه های مرک میروند و رفقای ما در خارج از کشور، بخشی دیگر از بار جنبش را بر دوش کشیده و به اشکال مختلف همزمان را در داخل یاری می رسانند و این رسم فدائی است که در هر کجا و تحت هر شرایطی در سبب پیشبرد وظائف انقلابی پیش میروند.

باید اذعان کرد که جنبش دانشجویی در خارج از کشور بویژه رفقا و همرازان سازمان و چه در رژیم گذشته و چه در رژیم کنونی و همواره نقش بسزایی در اغتصاب مردم رژیم جنایتکار ایفا کرده اند، بویژه در دو سال اخیر و همزمان با سرکوب عریان و خونین رژیم جمهوری اسلامی و رفقای ما در خارج از کشور نقش ارزنده ای در افشای جنایات رژیم بعثت داشته اند. اشهابا برگزاری راهپیمایی ها، میتینگ ها، اشغال سفارت خانه های رژیم و... افکار عمومی جهان بوجه فجائی که در ایران میگذرد، نمودند و اند. فعالیت گسترده آنان در دفاع از زندانیان سیاسی و باهمیاری دیگر سر نیروهای انقلابی و مرفوقی و سازمان عفتسو بین الملل را در اقامت تا خود استوار رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی و باز پرسند از سباحتیهای قرون وسطائی رژیم شود و هنگامیکه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از این امر سرباز زد، چهار گریه رژیم پیش از پیش بریان گردید. افشای شکنجه های وحشیانه رژیم در زندانها، اعدامهای دسته جمعی و دستگیریهای گسترده، گام ارزنده دیگری در دفاع از حقوق اولیه زندانیان سیاسی این فرزندان راستین خلق بود.

انتشار نشریه "جهان" ارگان هواداران سازمان در خارج از کشور که همزمان با اولین سالگرد رفیق جهان (جهانگیر قلمسده میاندوب) اولین شماره آن منتشر شد (بهمن ۶۰) و هم اکنون نیز بطور ماهیانه انتشار می یابد، نقش ارزنده ای در توضیح و

حق ملل در تعیین سرنوشت خود پیش حق مسلم آنهاست

نرسیده بود و اعتراضات و نگرانی بود و مبارزه پرولتاریای انقلابی بسط و انتصافات سیاسی همگانی و بعد از عالیتر از ارتقاء نیافته بود. توده ها هنوز آمادگی دست بردن به سلاح را پیدا نکرده بودند. باید متکی به توده ها بود و انقلاب را در بنیان اجتماعی خود سازماندهی کرد یا به زدن و پند های سیاسی از "بالا" پرداخت و به پشتیبانی از پرولتاریا و استفاده از قایمهای امپریالیستی دلخوش کرد. سازمان مجاهدین سابق با اهمیت طبقاتی خویش راه را دور را بر سر برد. خرد و پرولتاریا مرزبان و هرگز آنکه پرولتاریا را متشکل را پیش روی خود ندانسته باشد هرگز قادر نیست یک سیاست انقلابی در مقابل پرولتاریا اتخاذ کند. مجاهدین همانند همه جریانهای خرد و پرولتاریائی همواره از پرولتاریا بهره رداشته اند و هنوز هم توهم دارند. اینکه از نظرگاه مجاهدین انقلاب ایران پرولتاریا در مکرانیک خود را طاقی میداند و اینکه آنان همچنان در میان پرولتاریا به دنبال اقتدار ملی و شرقی میگردند و هنوز همه خطای مجاهدین نیست. فاجعه آنکه آنها تکمیل میشود که می بینیم سازمان مجاهدین در شرایطی که پرولتاریا عملاً و در تمام عرصه ها در حال تاریخی تبدیل شده است و بدان عنوان نیروی محرکه انقلاب میگرد و تلاش میکند تا یک واری آن نیروی ربه جذب آورد. آنها هنوز انتظار دارند که پرولتاریا در پیش این رالیک برود و در سرکوشش راییاری آنها بفرستند. چنین ایشان را پیدا بود و بطور همه جانبه آنها پشتیبانی نماید! البته پرولتاریا بهمه این "خباثتها" تن میدهد و کلی مشروط بآنکه مجاهدین حتی یک کام هم از اهدای زنیات آنها یافا اثر نگیرد. تجربه سی خرد از نشان داد که اگر این واقعیت هنوز برای رهبری مجاهدین شناخته نشده باشد، برای نیروهای پایه و تشکیلاتی این سازمان بیک امر سهل تبدیل شده است. امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که شمارش معکوس مجاهدین برای سرنگونی حکومت و تانکیهای زمانبندی شده آنان برای کسب قدرت بدون "انکا" و امید بستن بحماست "ارتش" ناچه اند از یوج و عیب بسوده است. اینکه مجاهدین از اتلاف بسیا پرولتاریا و "انکا" به ارتش سرکوشگر آن میتوانستند قدر ترا بچنگ آورند پایه، امروز بیک امر فرعی تبدیل شده است. آنچه اهمیت دارد اینست که قدرت عمل این اتحاد بستگی تام و تمام به نفوذ توده های مجاهدین و موقعیت طبقاتی این نیروی سیاسی و همتر از همه چرخشهای آن بسبت پرولتاریا دارد. قدر مسلم اینست که علیرغم همه چرخشهای مجاهدین و ارتش دست پرورد امپریالیزم آلترناتیو رژیم پرولتاریا جمهوری اسلامی ربه آلترناتیو پرولتاریا جمهوری "شورای ملی مقاومت" ترجیح دارد.

تاریخ

مجاهدین را در پوست کرب و گذاشت. روز شعار انقلاب مجاهدین بیک امر کمیدی تبدیل شد و شکست تانکیهای مجاهدین در استراتژی و اید و الهیزم تنگ نظرانه آنها را در هم گویند. شورای ملی مقاومت که در حقیقت همان "شورای ملی سرنگونی" را بدک می کشید نوشتد اور بعد از مرگ سهراب بود و درست در شرایطی بنا کردید که زمینه سازی برای سرنگونی بشیوه بلانکیستی بسر آمد. بود. در حقیقت خرد از ی بطور اعم و لیر الیایطور اخص مجاهدین خیانت کردند زیرا توهمی که مجاهدین نسبت به پرولتاریا داشتند، پرولتاریا از آنها نداشت. "وحدت تانکی" مجاهدین با پرولتاریا و قربانی "دشمنی استراتژیک" پرولتاریا با مجاهدین شد و برای همیشه به ترهسات خرد و پرولتاریا منساخته آنان - وحدت تانکی و دشمنی استراتژیک - خاتمه داد. حتی بنی صدر لیرال و در اردو سته اش که در مصاف سیاسی با خمینی گاه از صحنه سیاست کنار رفتند و در عرصه اقتصاد در کنار او جا خوش کردند و با آن عهد مودت بستند. در طول تمام مدت که بنی صدر در جلوی پرده ادای آزاد یخواهی و مکرانیم را در میآورد، در عقب صحنه بساط سرکوب خفیش توده ای راهی چید.

پرولتاریا خبیب میداند که چگونه باید اساس اید و الهایش را در "میشاق" شورای ملی مقاومت طرح ریز کند. چگونه باید بنای "جمهوری دیموکراتیک اسلامی" را بر ریزی نماید و چه طریقی آنرا از زواشک اید ثولوزیک پان اسلامیتی خمینی پساک کند تا با مناسبتترین شکل راه برای رشد سرمایه باز شود و پرولتاریا به بند کشیده شود و انتشار توده های زحمتکش و حشیانف تر از گذشته ادامه یابد. پس باید مقرر بر هر چیز همه دستاوردهای انقلاب به بنفد بیافتد. پان اسلامیم خمینی فعلا بهترین مجری این تراودی است. حتی هنوز هم مجاهدین حررات این راند ارند که از خود بیبرسند بنی صدر "مترقی و مکران" - آنها با خمینی ارتجلی و دیگر جناح بند بپهای درون آن چه تفاوتی وجود داشت. کمتر کسی است که امروز نفقه میدهد باشد که اگر جاقوی بنی صدر علیه جنبش انقلابی توده ها و دشمنی اثر با کمونیزم و کشورهای سوسیالیستی را از آن بسوه امپریالیزم جهانی و برتر از ساسبات حسنه پان نیز ترا جناح با اصطلاح حد حنیه نباشد کند تربیت. آنها هنوز نمی خواهند بفهمند که "ارتجاع" بدون توده به مضمون طبقاتی و بنیاد اجتماعی آن امر یوج و یاده ای پیش نیست. خلاصه اینکه گذشت دو سال از می خرد از در سهای عظیم و کرانیهایی به توده های مردم و مارکسیست

لنهنستهای ایران آمونخت. درسی خرد از ۶۰ خرد و پرولتاریا از عقب ماندگی نیروهای پرولتاریا استفاده کرد و زمانه را بلا مضاعف میدان شد. اما در همان حال یکبار دیگر تنزل و ناستواری معمول را در عرصه مبارزه و تحکین بر رهبری پرولتاریا نشان داد. خرد و پرولتاریا یکبار دیگر اصل مسلم و لا تردید تاریخ را با تیات رسانید که اگر پرولتاریا قادر نباشد خرد و پرولتاریا را تحت رهبری خود فرار دهد و این نیرو همواره تحت رهبری پرولتاریا قرار خواهد گرفت. رویدادهای پس از سسی خرد از تمام ماهیت سیاست خرد و پرولتاریا بی اساس بود تا تانکیهای بلانکیستی آنها را نشان داد. مکرانسی ناپیکر آنان را بر ماساخت و نشان داد که تنها طبقه ای که تاریخ، رسالت بفرجام رساندن انقلاب را بر عهد او قرار داد است طبقه کارگر است. طبقه ای که استوار و تنزل ناپذیر و پیشاپیش دیگر طبقات اجتماعی، علیه رژیم جمهوری اسلامی پیگامی کند و انقلاب را به فرجام پیروز مند تر میرساند.

مبارزات و... بقیه از صفحه ۱۳

دوشنبه تقدیم خلقهای ایران کرده است رفقا شاهرخ میثاق و شهرام میرانی از جمله رفقای هوادار سازمان بودند که در خارج از کشور بدست چاقو کشان و قداره بندان رژیم شهادت رسانند و او ایشان صادراتی رژیم هرا از چند گاهر بسا یورش به خوابگاهها و آسایشگاهی ها و... در انشجویان مبارز ایرانی، سعی دارند تا آنان را از فعالیت انقلابی باز دارند. اما این اعمال و حشیانف تمام چهره لوسین پرور و ارتجلی رژیم را بیشتر بنمایش می گذارند. رژیم علاوه بر ضد و او ایشان مزدور به دیگر شیوه ها نیز جهت سرکوب انشجویان متوسل شده است از جمله تحت عنوان استخدام متخصصین ایرانی که در آیند و فارغ التحصیل میشوند از دانشگاهها خواسته تا انشجویان ایرانی را معرفی کنند یا علاوه با قطع ارز تحصیل تعداد زیادی از انشجویان انقلابی تلاش نمود و تا آنها را تحت فشار مالی قرار دهد اما اینهمه آخرین تلاشهای مدبوخانه رژیمی است که بهرحیله ای متوسل میشود تا شاید چند صباحی بر عمر تنگین خویش بیفزاید. علیرغم کلیه فشار و تضییقات موجود و رفقای مایه اشکال مختلف سازمان را از نظر مالی و تدارکاتی یاری میرسانند. بویژه در شرایط کنونی که بدلیل رعایت مسائل امنیتی امکان تماس مستقیم با کلیه هواداران مقدور نیست ارزشمندی کمکهای مالی و تدارکاتی رفقا بیشتر آشکار میشود. ما بر کلیه فعالیتهای انقلابی رفقا از می نهم. بدیهی است که رفقای تشکیلات خارج از کشور با ارائه رهنمودهای مشخص تر، بر عمق و وسعت این مبارزات خواهند افزود.

هر چه گذر کرده تریباد اتحاد عمل نیروهای منسوقی و انتقالاتی

یادداشت‌های

بقیه از صفحه ۱۸
شهر آری هم که با "مع النونک نشینی" و درگیری النونک نشینان با عوامل انتظامی که برای جلوگیری از ساختن خانه های غیرمجاز و خارج از محدوده ۲۵ ساله افزایش شده اند، روبرو است، میگوید: "ما نایل نیستیم باطلت همیشه در صحنه مان درگیری داشته باشیم" (اطلاعات)

جمهوری اسلامی کشتار کند، اما در نگرش جوانان و سرکوبی سرزنش در پیشاتر ها در اعمال جنایت و شکنجه در سخن می دهد، آنچنان رسا که گوئی در قلمرو حکومتی اش، پرند آزادی از بندگی نه و نه زندانی هست و نه زندانبانی، نه شکنجه ای هست و نه شکنجه گری

جمهوری اسلامی که فقر و تنگدستی و بهره کشی کارگران و زحمتکشان را همه روزه افزون تر می سازد، در حرفی چنان خصمانه به ستیزی می نشیند که بر تهدید ستیزان، جو استثمار سرمایه داران از کارگران می تازد و کفوتی فقر و بندگی را ریشه کن ساخته است. اما با تمامی این سیاستهای ظاهر فریب، با تمامی زوال است و وقاحتی که دارد، اما چنان بلاهتی در نگارش هست و جنبش انقلابی آنقدر گیس و رخت زده اثر ساخته که فکر می کند با تکیه بر همان دروغها و ظاهر فریبی ها می تواند سیاستهایش را پیش ببرد و اوج در ماندگی رژیم نیز همین است.

رژیم بر استی گمان کرده است که بسا بر قرار آن "ثا الله" (!) میان خود و مردم هاست و می تواند زندگی کند. بیدادگری مردمی جلوه دادن خود از طریق نیروهای سرکوبگر، تنها از عقل ناقص و واپسگرای رژیم چون رژیم جمهوری اسلامی بر می آید و لاغیر. اما غیر این هم راهی نیست. آخر او هم دریافته است که زندگی میان توده ها است. اما نمی داند و ما هم تاهم نمیتواند بداند که زندگی در تکیه توده ها برای خلق آزادیها و پایان بخشیدن به فقر و بندگی و ناگامیها است.

آری زندگی در پیوند با توده ها، در میان توده ها زینستن، باز زندگی انسان زنده بودن و همراه آنها برای رهایی تلاش کردن است. زندگی واقعی آنجاست که توده ها هستند، در نیروی آنها و در قدرت منجم و یکپارچه آنان برای آفرینش زندگی و پیادمانی و آزادی برای زحمتکشان. اما آنکه پیوندی با زندگی واقعی ندارد، آنکه حیانتش به موفی بسته و هر لحظه ناقوس مرگ را سرتع، شنود، پس در پی پیوندی-

مجازی بری آید و برای تحقق این پیوند، باز به نیروی سرکوب متصل می شود، بسا این بندارواهی که سرانجام خود را مردمی بنمایاند.

و این تصویر حقیقی رژیم جمهوری اسلامی است که نه این يك بار به این شیوه مه خواهد حکومت اش را مردمی جلوه دهد، که مدتهاست برای آنکه خود را حامی زحمتکشان و مورد حمایت توده ها نشان دهد، به انواع نیرنگها متصل جسته است.

رفسنجانی، زمانی در نماز جمعه ها تلاش میکرد، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مردمی و ایران را دموکراتیک ترین کشور ها و انورد سازد. و مشکینی استدلال میکرد که: "اگر این خیانت منافقین نبود، سوار بیگان قراضه می شدیم. خدا شاهد است پیوسته رنج می بریم. به اینها (مخالفین سپاهی) میگوئیم با باحان ما را کرده آید آر ما مهر، بند آید ما برویم نسوی مردم. اما میگویند ما وظیفه داریم. اینها میگویند اگر شما سوار این ماشینها (ماشینهای - های ضد گلوله) نشوید فردا همه شما شریف میبیرید پیش آقای بهشتی" (کیهان ۱۷/۷/۶۱) و همین ترس از شهادت، اما توجیز، برای یاران و نیز ادعای مردمی بودن و در واقع همان حفظ جان از چشم و یغیان توده ها را رفسنجانی به مدتی دیگر، اظهار میدارد: "ترو رژیم را درست کردند که رابطه ما را با مردم قطع کنند. اگر ترو رژیم نبود، مشونین ما از رئیس جمهور گرفته تا همه افراد این مملکت توی مسجد ها، توی کارخانه ها، توی زندگی مردم، هانجو که بودند، بسا مردم بودند. این قسمت را آنها خراب کردند. يك حجاب، ختصری گذاشتند و ناچاریم يك مدتی برای حفظ انقلاب، برای حفظ دستاوردهای ماشینی ضد گلوله بنشینیم" (اطلاعات ۱/۸/۶۱)

پس ترو رژیم ماشینی ضد گلوله و آبولانها... در محاصره محافظه پسین سپاه را برای حفظ دولت مردان و سران کافی تلقی میکرد و اکنون، با رشد دم افزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان، می خواهد از مردم ایران ۳ بدست خود حصار بی در توده ها بکشد تا خیال عیث خود حکومت مردمی "اش" (!)، مصون و - محفوظ ماند، و برای ترساندن مردم به لاجوردی جلاد اوین متصل میشود که نعره سرد هد: "هر کس از ما نپسریچی کسده اوین میزانش خواهد بود" و بابه سخنرانی های تهدید آمیز در کارخانه صادرات روز (که البته بعضی ترس یافتند و استهزا) کارگران رو بر می شود. این نوع مردمی بودن رژیم انجابه شتر بیان میشود که حتی در خارج از کشور، وحشت از انقلابیون و خیالی سوده برای این حکام جنایتکار باقی می نیکد ارد و بعنوان مدی بهنگام شرکت در

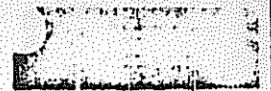
کفرانس غیر متعهد ها، می باید، پیشاپیش ماشینیهای ضد گلوله و نیروهای نظامی را - برای استقبال هیئت ایرانی به سرپرستی نخستوزیر "محبوب" در هند، به این کشور گسیل دارد.

اما رژیم که عمق شکاف میان خود و توده ها و گسست این پیوند را درک کرد، و به نفوذ مردم افزون نیروهای انقلابی میان توده ها و خطر این نفوذ آگاهی یافته، باز به تلاش مدی و تبلیغات دروغین و پیوند به های کاذب چنگ انداخته که شاید خشم و کین توده ها را بخورد کاهش دهد، تا که شاید با حقه کردن مردمی بودن خود اما باز در سرنیزه مدی در برابر جنبش توده ای، بوجود آورد. رژیم که با پیش از چهار سال اعمال سیاستهای ضد کارگری و سرکوب و کشتار زحمتکشان، اکنون نابودی زندگی اش بدست توده های زحمتکش، هراس بدست افکند، و خود را کاملاً منزوی از توده ها حس میکند، سعی دارد برای این فاصله، برای این وحشت زدگی، بزد و افکند و اینگونه تظاهر کند گویا وحشت زدن در هراس و در سرباز مریدان ما شتر، صد میوه و شتی ها تنها خاطر مدی تعداد نفی: امروز که سیاست است کرده توده های رژیم است!

اما چه فریب بورژوازی، نیروهای انقلابی آنجا هستند که توده ها هستند. در میان آنها هم راه همگام با آنهاست در تلاش برای رهایی. نیروی انقلابی بیشتر توده هاست و توده ها محافظین نیروهای انقلابی. رژیم از انقلاب توده هاست که وحشت کرده و تلاش میکند در پیش تبلیغات و عوام فریبی بر محافظین اش بنماید. اما رژیم هم میدان سیاستها و تبلیغاتش بی اثر است. از این رو است که مدتی پیش خامنه ای به ائمه جماعات مشهد میگوید: "شمار تبلیغات خود بایستی امید روشن نسبت به آینده این انقلاب و این جمهوری را مردم بشناسانید و مردم را امید زار کنید" (کیهان ۲۲/۳/۶۲) اما از سوتی در ماند و فریاد میزند: "این گروهها که نه حسینی و نه هیاتی دارند، در کجا این جوانان ما و شعار آفریب میدهند و آنها را منافق و کمونیست میکنند" پس از مردم برانش می خواهد: "شما باید در همه جا هوشیار باشید، در تاکسی ها در قهوه خانه ها، در کارگاهها و در همه جا ارشاد اسلامی!! (و یاد رحمتت حسن، این تکلیف شرعی) را فراموش نکنید" (طلوتی امام جمعه تبریز، کیهان ۴/۸/۶۱)

آری رژیم خطر راهه جاننده احساس کرده، از یکسوا اشکال مختلف حرکتیهای اعتراضی توده ای روبرو است میداند که در این جمع پایگاه ندارد و باید مزدورانی برای خود تربیت کند، او خود صراحتاً اعلام میکند که امکان پذیر نیست که از نیروهای آزاد جامعه، که پاسخگوی نیازهای نهاد مکتبی سپاه باشد، بقیه در صفحه ۱۶

کمیته های مخفی مقاومت را باید در شهر و روستا ایجاد کنیم



سعید سلطانیپور . . .

بقیه از صفحه ۱۸

بازارهای سیاسی

بقیه از صفحه ۱۵

راتامین نماید و باید به تعلیم افراد مومن! و تخصص صادرات و زیند (حجت الاسلام دین پرو، عضو شورای عالی سپاه پاسداران - اطلاعات ۵/۵ (۶۱) و فسنجانی خطاب به اعضای کادر تعقیب و مراقبت اطلاعات سپاه پاسداران میگوید: "ما از تنفیخ خطر جریانات ضد انقلابی! و مبارک اطلاع داریم جریانات رابخوی میشناسیم و به میزان خطرانی که آنها میتوانند برای جمهوری اسلامی بیافرینند واقفیم و بر این اساس ما برای شمارش بسیار قائلیم" (کیهان ۳۱/۲/۶۲) .

و اما از سویی درماندگی و ناتوانی از آن و پیشبرد هرگونه سیاستی برای تثبیت وضع خود و نظام ضربه خوردن و سرمایه داری، تا آنجا که موسوی اردبیلی میگوید: "نه میتوانیم برنامه ریزیهای گذشته را کاملاً نبال کنیم و نه میتوانیم برنامه هایمان را از نو شروع کنیم" اجازه نمیدهد، رژیم نمایشی مردمی - آشراکه حتی بر نیروهای سرکوبش استوار نموده، و تا به آخره اجراء آورد .

زیرا همان مزدورانی که خود به تربیتشان همت گماشته که آشکار کنند و حقیقت نمایش در زمین اثر است، و نیز توانایی بازی نقش را از دست داده اند بطوریکه منتظری در - دیدار با محافظین رفسنجانی مجبور میگردد تا سپاهیان را در آری دهد و بگوید: "حفاظت از شخصیت ها کار خطرناکی نیست نیتتان با خدا باشد و کارتان را خوب انجام دهید . اکنون در مرحله ای هستید که بایستی صبور باشید . ناراحت نشوید" (کیهان ۱۶/۳/۶۲) .

اما، شدت استیصال رژیم را محسوس کرده آرموده را دوباره بیازماید، حتی از تجربه باشکست مواجه شده مردمی نمایانند خود دوباره مددجویید، اما، باز شکست دوباره - ای خواهد بود رژیم همچنان درمانده در برابر حرکت توده ها و در انتظار پاسخی که پس چگونه توان مهارت، هست؟ ام - انتظاری نیست . رژیمی که مرگ می آفریند و سرسختانه در تلاش برای آنکه پیوند های کاذبی بوجود آورد، در برابر توده ها که سرود زندگی و پیوند های عمیق خلسق میکنند، توانایی مقابله نیست .

اینبار سردمداران رژیم با سیاسی - پرافروخته تر توده ها از غضب و کین بروریند آن آفرینندگی که از آتش انقلاب شعله میکشد و بنیاد ستم را برمی افکند، سیمانی ملو از نفرت از ستمگران و سرشار از امید به پیروزی انقلاب .

و هائی فرزند آن خلق بدست قدرتمند توده ها و جوانه شادمانی را در دلها نشانید سعید، پس از قیام تقارن مستند و کارگری را بنیان نهاد . با اجرای نمایشهایی چون "عباس آقا، کارگر ایران ناسیونال" ، "مرگ برای ایلیسم" ، "عزیزان مبارزه طبقاتی" در آمیخت . صدای گرم رفیق و خسروش انقلابیست که در فضای میدان آزادی، در گرامیداشت چهارم فدیائی خلق و فرزند آن دلاور خلق ترکین ، ندای "ای توماج ، ای توماج . . ." را طنین افکن ساخته و نوید تدایم و بارزه علیه ستم و سرکوب سرمایه رسیده ، از یاد هانخواه رفت .

او در سرای زندگی انقلابی روحی دلیر و روزمند و در تکانهای مدام بود . هرگز با سازش طلبی و خیانت به توده ها روی اشتی نداشت . از آن هنگام که بروز نخستین نشانه های سازش طلبی جریان راست اکثریت و کمیته مرکزی به دفاع از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداخت، در برابر این سیاستهای استبداد و بیانجام توان روزمندی خویش برای رسوا کردن آن کوشید . در سخنرانیها و بحث ها ، همواره بر مواضع انقلابی سازمان پای فشرد . او با شهادت رفیق جهان در میتینگ ۱۷ بهمن ۵۹ ، جهانی را با سرود اثر به غلیان در آورد . جهان را ، که یک جهان عظمت بود ، به جهان پرولتاریا شناسانید .

اما، آن هنگام که خمیرخایت مزدوران سرمایه و شهادت رفیق سعید سلطانیپور بگوش جهانیان رسید ، طوفانی در درون خلق ما و در محافل ادبی و آزاد یخواه جهان برپا ساخت . زیرا که شهادت رفیق همچون زندگی پر بارش بعد جهانیان داشت . شهادت او نهالهای حشم و کین خلق را از خون آشامی رژیم جمهوری اسلامی باور ستر نمود ، و هر قطره خونش همچون همبسته شهیدان آرمان پرولتاریا و خلق ستمکش تنگی در دستار کرده اس در دست پرزگردد .

اکنون بایاد واره اش سوگندی مجدد یاد میکنیم که چون فریاد خشم و خروش توده با دست توانای کارگران و زحمتکشان در ب - های سپاه جالبهای رژیم را بگشاییم و فرزند آن انقلاب راهائی بخشیم . بنیان نظم سرمایه را درهم شکنیم و حکومت زحمتکشان را بی افکنیم ، چرا که :

بقیه در صفحه ۱۷

بهار ۱۳۶۰ ، جوینارخون رفیق سعید شاعر روزمند و هنرمند فدائی ، به درهای مبارزان کمونیست ره سپرد ، ستاره ای شقایق کون بر اختران سسرخ و فروزان پرچم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران افزون گشت . رفیق سعید آتششان خشی بود در جوان رگود جنبش . در آن - تنگنای جنایت و خون ، که حامعه بفقان افتاده بود . و توده ها در انزوای خاموشی گسترده ، در زیر فشار فقر و احتیاج ، باغمهای در ناک گذران زندگی ، مرگی تدریجی را تجربه میکردند . او با نمایشنامه های آگاهانه اش که هر باره مورد پورش ساواک قرار میگرفت و با اشعارش همچون رودی روان و غرند و خفتگان راهبید آری دعوت میداد :

خفتش در دلد هلییز
بسته در زنجیر
حالت های زنجیر های سرد سنگین است
پای بگشا
منوای فکلیین است
لحظه ها ، باشوق آغاز قیامی سبز میروند
لحظه ها ، با استارت آنتهای سرح - حرکت
جاسپا ، لبهای رنگین خد آوندان تبت را
بوسه میکاوند
بسته در زنجیر
خفته در دلد هلییز
افتاب شهریں آواز ما ، باید
ریشه های روشش را در خلیج خون سسرخ
ما بلسرزاند
باغ فردا ، در دل شبهاست
مرگ باید که روید از محق آن گیاه نود

در سال ۵۳ به جرم سرودن اشعار " آواز های بند " رفیق سعید خود به بند سپاه جالبهای رژیم شاه گرفتار آمد و در آنجا نیز با مبارزاتش از شکنجه گاه ساواک محکم و استوار قامت برافراشت ، و خشم و کین طبقاتی را با سرود ای رسا - اگر چه در تب شکنجه میسوزم ، ز خون ریخته خورشید ه - ای افروزم ، که سفیرش از پهنه اوسین ، از حلقه های تنگی اختناق درگذشت ، بسوی زلفه ها و کارخانه ها ، دانشگاهها و مدارس پیام شاعر و هیوی فدائیان را بگوش خلق رسانید . با انقلابی جنبش ، اولین اشعارش در شبهای شعر سال ۵۷ " زند انسی سیاسی ، آزاد باید کرد " ، از انقلاب نزد یک سخن گفت شعاری که شعار خلق ستندید و بود این شعار همه جا کمتر میشد و بند زند آنها را در می نوردید . نویسد

رهبری طبقه کارگر و ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خنقهای ایران است

حمید اشرف . . .

بقیه از صفحه ۱۸
زند و پوش و نیم گرسنه
زحمتکشان پیوند داده بود و از هر کج در رنج
و فقر و محرومیت های سنگین زندگی ، تجربه
می انداخت و در دلش نقطه هائمی بست .
در دوران دبیرستان در حالیکه کوله باری
سنگین از رنج مردمان فقیر ، بویژه کارگران
داشت ، شور و جبهائی چنین ، در اندیشه
- اش کلام اعتراض برمی انگیزت و کرد بساز
پیشانی ، آن خطباتی و سوالهای همیستان
آمیزش کلاس و دبیر و دبیرستان را در هم
می آمیخت ، و سرانجام راه به اقتصاد سیاسی
دانشجویی برد و به متن مبارزات درآمد و
یکبار به همین مناسبت از دبیرستان رانده
شد .

در سال ۲۲ به گروه حزبی پیوست .
در دانشگاه ، بعنوان دانشجوی دانشکده
فنی ، یکبار چه شور و حرکت انقلابی بود و از
رهران مبارزات دانشجویی شد . بعد به
عضویت نیم گوه سعید کلاتری درآمد و چون
رهبری بعهده اعضای تیم زیر صریحه های
ساواک توفیق آمدند ، در رهبری تیم قسار
گرفت و برق آسانی رابازسازی کرد و مسئولیت
سازماندهی را بر دوش کشید . حمید پس از
ضربه های سالهای ۴۰ و ۴۱ رهبر سازمان
- در ارتباط با رستاخیز سیاهک نیز ضمن
کار در زمینه شناسائی و آموزش در جنگهای
شمال مسئولیت ارتباطات مهمی شپرو سود
را بر عهده داشت . رفیق کبیر حمید اشرف .

سازمانگری ورزید بود که در همین حال خصلت
- ها و قابلیت های انقلابی اثر به بهترین
نحوی در خدمت جنبش قرار میگرفت . او در
وزیم ستم شاهي برای سازمان اسلحه شده
با بهترین شگرف تا کبکی و توان پر شکوه
تصمیم گیری و قاطعیت در دشمنان انقلابی اش
چهارده بار خصلت معاصر دشمن را شکافت و
مزدوران رژیم شاه را کبچ و گول بر جای نهاد

رفیق حمید به تجربه و عمل ایمان
داشت و در این راه دشوار از اشتباه
بی هراس بود ، او میگفت :
" هرگز بدون تجربه و عمل در ارتکاب
اشتباهات نمیتوانستیم رشد کنیم . تاریخ
تمام انقلابات نشان میدهد که چگونه
جنبش ها افتخیز بسیار داشتند و آنچه حد
پرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شدند و
آسیبهای بزرگ دیده اند ولی پس از سرور
شکستهای بهره گیری از تدارک و نقد آن جدا
بر سر پیا بر خاسته اند "

رفیق کبیر حمید اشرف با همزمانش رفقا
بهروز ارغمانی و حمید مومنی بعد ها با
یکگیری بیشتری با وقت کار در کارخانه ها و
ایجاد پیوند تنگاتنگ با کارگران را طرح
ریخته که هر چند اجرای گسترده آن به
بین بست کشید ولی تاثیرات طبقاتی آن پس
از قیام تلخ خود را پدید آر کرد .

رفیق حمید این رزنده و ستاره خونین
در عرصه مبارزات و جادو بر برینها و اقمیتها
سازمان میداد و میگفت :

" طرح يك ایده و يك آرزو هر قدر هم که
درست باشد ، هر قدر هم که ضروری تشخیص
داده شود ، بدون ارتباط با امکانات عملی
سازمان چیزی حاصلی است . پس از طرح
شدن يك ایده ، بیابست اسلوب مناسب و
عملی برای اجرای آن ارائه کرد و بر تزنه طرح
ایده ها بدون ارائه اسلوب عملی - سسار
بیهوده است ."

رفیق فدائی کبیر ، رزنده ای شکیبا
بود و در لحظه های بحرانی خونسردی
انقلابی اش را از دست نمیداد . رفیق حمید
سازمانگری توانا و رهبری مقتدر بود . ضرورت
انضباط انقلابی و تشکیلات رادیک و لیبروم
پیوند با طبقه را حس کرده بود . اما با آنکه
جنبش کمونیستی ایران رفیق را بیشتر يك
پراتسین انقلابی میشناسد به تاکید بایستد
دانسته شود که علیرغم وجود پاره ای -
انحرافات که به انتقادات وضعف های
گذشته سازمان بر میگردد در رفیق نقشی بس
عمیق در سمت گیری سازمان بسوی طبقه
کارگر داشت .

بالاخره رفیق حمید در اکتبر ۵۰ در
طی يك درگیری مسلحانه بشهادت رسید
اما استواری و مقاومت ، قاطعیت و اراده ،
تیزبینی در تاکتیکها ، ایمان بر به ارمان
کمونیسم و تجربیات و آموزشهایش در زمینه
سازمانگری و شوروی و سیاست در خدمت
جنبش طبقه کارگر ، برای همه مبارزان و -
کمونیستهای انقلابی ایران آریه است .

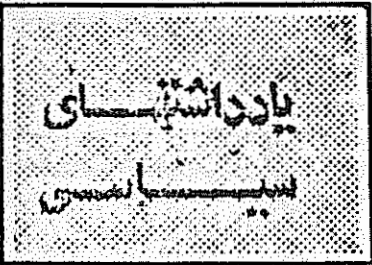
سعید . . .

بقیه از صفحه ۱۶

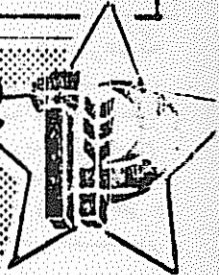
صافی شعاریم و مثل پرچمهای گل
در باد های تغییر می روئیم
و می روئیم
ما صافی شعاریم و هر جاد ستان را ببرند
سرود می خوانیم
زبانمان را ببرند
پای می گوئیم
با چنان را بشکنند
سینه خیز می روئیم
ما میرویم ، از راه نمی مانیم
دم به دم بچه میزائیم
تورا میزائیم
چرا که زندگی را دوست داریم
نام تو يك واقعت است
سعید ، شاعر خلسق
سعید ، شاعر کمونیست
سعید ، شاعر فدائی

| کتابهای مالی دریافت شده | |
|---|--------|
| مقاومت ۳ | ۱۵۰۰۰ |
| روستای نولال | ۱۰۰۰۰ |
| سجد ای کبیر | ۵۰۰۰ |
| سجد ای مجاهد | ۵۰۰۰ |
| هند پیچان | ۵۰۰۰ |
| چ - ر اسکندر | ۵۰۰۰ |
| آتشین | ۷۰۰۰ |
| وسپ | ۷۰۰۰ |
| بدر تمامه دی | ۴۰۰۰ |
| مقاومت ۴ | ۱۵۰۰۰ |
| روناک | ۲۳۰۰ |
| کاک عباس | ۲۰۰۰ |
| تسریز | |
| راننده ۲ | ۳۰۰۰ |
| راننده تاکسی | ۲۰۰۰ |
| شهران - سعید | ۲۰۰۰ |
| بدون کد | ۲۰۰۰ |
| بدون کد | ۵۰۰ |
| رفیق سینا | ۲۰۰۰ |
| سلطانپور | ۳۵۰۰ |
| سهیل | |
| رفیق هواد ارکرج | ۵۰۰ |
| ن - ۳۲ | ۳۰۰ |
| الف - ۱۳۲۵ | ۲۰۰۰۰ |
| ب - ۲ | ۱۵۰۰۰ |
| الف - ۱۳۲۵ | ۱۰۰۰ |
| ۱۲۴ - م | ۱۶۰۰۰ |
| لش | ۱۳۰۰۰ |
| رفیق لیمان | ۱۰۰۰ |
| مخمس شانه چی | ۵۵۰۰۰ |
| علی نوری | ۱۵۰۰۰ |
| روزستان نولال | ۵۰۰۰ |
| شیرین | ۱۶۰۰۰ |
| م - ۱۸۲ | ۷۰۰۰ |
| کد های زیر مربوط به شماره شمال | |
| میشاند که مدتها قبل دریافت کرده و کسی | |
| میتاسفانه بععل ویژه ادبشون بوقتی بدج | |
| آنها شده بودیم و با بزرگترین از این رفقا در | |
| ایده اقدام به این کاری نمائیم . | |
| توکل اسدیان | ۲۰۰۰۰۰ |
| کمون پاریس | ۱۲۰۰۰ |
| رفقای انزلی | ۲۲۰۰ |
| رفقای انزلی | ۲۲۰۰ |

زندانی سیاسی به قدرت نوده ها آزاد باید گردند



پینک است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگتر



گرامی باد خاطره فدائی شهید

رفیق گیبی - شهید اشرف

از همان ابتدا با فرزند ان یتیم زنی کارگری و پسر سوزن بان راه آهن میخوشید. در حیاط مدرسه و در ساعات پسر بخم و دختر نشین تیریزه زندگی اش را می فرزند ان بقیه در صفحه ۱۷



گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق بهروز دهقانی

اجتماع (مجموعه مقاله، نقد و بررسی) او... می توان یاد کرد. رفیق سپس مبارزات در راه فدائی سازمان را ادامه داد. رفیق بهروز دهقانی ضمن درگیری با پلیس دستگیر شد و پس از تحمل محسوسانه ترین شکنجه هایی آنکه کلابی بر لب آورد، در روز ۹ خرداد ۵۰ فدائی وارشهادت رسید.

در ۱۳۱۸ در سنیر زودریک خانسواد فقیر کارگری متولد شد و تا مدت ها در کنار و پدر بزرگوار بود و سپس به معنی روی آورد و مدتی نیز به نوشتن و ترجمه پرداخت. از نوشته های او میتوان از گزارش های درباره روستاهای اندر ایجان (به اتفاق رفیق صد بهرنکی)، گزارشی درباره روستاهای قره باغ، افسانه های ایتالیا نوشته ماکسیم گورکی (ترجمه) زندگی با تانگین اوکیس (تالیف و ترجمه) افسانه های اندر ایجان (گرد آوری - به همراه رفیق صد بهرنکی) و در شناخت ادبیات

گرامی باد خاطره فدائی شهید

رفیق اسکندر - صادق نستان

رفیق اسکندر کارگر، دبیر سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک - از نخستین اعضای سازمان و عضویت در انکاد سازمان (که طبع آن در قفقاز بود) و بیرون رفتن به بیرون رفتن به فرمانده تیم بود و در آن روز در حال گذر از خانه تیمی در بگرام بود و در جریان اسباب کشی در محاصره ساواک و پلیس قرار گرفت و در درگیری به شهادت رسید.



گرامی باد خاطره شاعر، زرمنده و هنرمند خلق، فدائی شهید

رفیق سید سید سلطانپور

مرگم سیده دیگری است تا خونم پرچم سرخ کارگران باشد در انقلاب روشن سردا

آخرین روز بقیه در صفحه ۱۶

موسوی اردبیلی خطاب به اعضای واحد گشت ثار الله: " شما باید از تعداد محافظین شخصیتها کم کنید و تعداد اگشتیهای کمیته را سیاه را زیاد کنید تا مسئولین راحتتر بتوانند با مردم تماس بگیرند و این فاصله ای که بوجود آمده از زمین بروم" (کیهان ۲۱/۳/۶۲)

رژیم به بازیگری نقش در نمایش خیالی دست زد که پیوندی با نمایش واقعی هر روز که صحنه اش خیالی است ندارد. ارائه تصویری محازی از یگانگی با مردم، نشانه استیصال رژیم است که از فرسایش در ماندگی به هذیان گویی و از شدت بیگانگی با توده های ترس و لرز در اثر دچار گشته که سعی میکند به نحو پروردگار بر این هراسناک هول انگیزش بکشد که " جایز نباشد پس زد شود."

رژیم جمهوریت اسلامی، برای لحظه ای بیشتر ترس از زمین بروم می بخشم آمد و از سنگریها، تحمیل و سانس - دولت نظامی، بهره گیری از گشتیهای عینی در لباس ثار الله، خند الله، و پیامد بین مخفی در ماشینهای با شماره وین شماره با اسلحه حزب اللهی، " طاعتی ز خلق" بارش وین ریش در هر کوی و محله، استوار از کشته جی و مسیحی و عناصر ساواکی بران شناسایی وزیر نظیر گرفتن هر حرکت توده ها، کمونیستها و سایر انقلابیون، در هر محله و کارخانه و صرفی میلیارد هاتومان برای خرید ماشینهای ضد گلوله و انواع سلاحها و نیز سز تا این حقوقهای کلان این مزدوران را هنوز کافی ندانسته هر روز تلاش میکند به نحوی بر تعداد ادنیروهای سرکوبگرش بیفزاید، که اینبار به بهانه تماس با مردم توسل جستند است.

رژیم جمهوری اسلامی، با ناموسی شباهتهای بنیادی با هر رژیم سرمایه داری در سرکوب و کشتار و فریب توده های زحمتکش اما و بزگیهای خاص خود را دارد. رژیم جمهوری اسلامی آن سان دروغ مگوید که در همان دروغ، حقیقت را برملا میکند. گروهی به " مردم همیشه در صحنه" میگوید: " بطور سفارش توصیه، تذکر و استعدا از مردم، حضور در صحنه را میخواهیم

(کیهان ۲۱/۳/۶۲) در صفحه ۱۵